



مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه

گزارش عملکرد سال ۱۴۰۱



بِسْمِ تَعَالَى

فهرست مطالب

۴	پیشگفتار
۶	بیانیه مأموریت
۸	پروژه‌های مرکز در یک نگاه
۱۴	سبببندی پروژه‌ها
۸۸	اقدامات ترویجی مرکز
۱۰۰	توافق‌ها و تفاهم‌های مرکز
۱۰۴	نیروی انسانی مرکز



پیش‌گفتار

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه از سال ۱۳۹۷ با ایده تقویت هم‌زمان حاکمیت و جامعه فعالیت خود را آغاز کرد. اساس رویکرد توانمندسازی حاکمیت و جامعه این است که بدون رشد و توسعه هم‌زمان ظرفیت‌های حاکمیت و جامعه وضعیت روشن و پایداری برای یک کشور نمی‌توان متصور بود و برای قرارگرفتن یک کشور در مدار

توسعه لازم است تلفیقی از حاکمیت و جامعه نیرومند را در اختیار داشت. بر مبنای عملیاتی‌سازی این ایده مرکز تلاش کرد از طریق ایجاد و تقویت شبکه‌های اصلاحی گام‌هایی را در حل مسائلی نظیر تقویت ظرفیت اجرایی حاکمیت، توانمندسازی جامعه، شفافیت و مقابله با فساد، فقر، نابرابری و تعارض منافع بردارد و زمینه را برای کارآمدسازی حاکمیت

و تقویت جامعه مدنی فراهم آورد. اقدامات مرکز در طول این چند سال فعالیت ترکیبی از پژوهش، آموزش، حمایت‌طلبی اجتماعی، بسط و توسعه نظریه، حل مسئله و جریان‌سازی بوده است که بخش پژوهش، توسعه نظریه و ترویج در این مدت پررنگ‌تر بوده است. این مرکز از ابتدای سال ۱۴۰۱ و با هدف کمک به سیاست‌گذاران،

مدیران دولتی، جامعه دانشگاهی، قانون‌گذاران و سازمان‌های اجتماعی تلاش ویژه‌ای را در کشف مسائل حکمرانی به‌ویژه آن‌بخش از مسائل حکمرانی که با رفاه جامعه در ارتباط بیشتری است گذاشت. ریشه‌یابی این مسائل، یافتن راهکار و اجرایی ساختن آن راهکارها بخش دیگری از اقداماتی بود که در راستای هدف کمک به سیاست‌گذاران در این سال

تا حد زیادی مورد توجه بود. گزارش پیش رو گزارشی از اقداماتی است که همکاران مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه در قالب ۵ گروه مطالعاتی فقر و حمایت‌های اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، بازار کار، تعارض منافع و بودجه در سال ۱۴۰۱ انجام داده‌اند. در این گزارش پروژه‌های در دست اجرای هر گروه، وضعیت پیشرفت آن،

اقدامات انجام‌گرفته و دستاوردهای حاصل‌شده ارائه شده است. امید است در سال آتی پیشنهادهای سیاستی برآمده از پروژه‌های مسئله‌محور در کشور جاری شوند و بخشی از مسائل ایران عزیز را مرتفع کنند.

زینب مرتضوی‌فر

مدیر مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه

بیانیه مأموریت

ما در مرکز توانمندسازی حاکمیت و مردم می‌کوشیم از ابتدای کشف مسائل حکمرانی به خصوص مسائل نظام رفاهی کشور تا یافتن راهکار و اجرای آن همراه سیاست‌گذاران، مدیران دولتی، جامعه دانشگاهی، قانون‌گذاران و سازمان‌های اجتماعی باشیم. همراهی از جنس پژوهش‌های مسئله‌محور، برگزاری اتاق فکر، آموزش و حمایت که همگی مبتنی بر مسائل حقیقی ایران و براساس روش‌های نوین علمی‌اند. این مرکز می‌کوشد ضمن حل مسائل با ایجاد آگاهی در میان مردم، ظرفیت اجرای پاسخ‌های صحیح به مشکلات روز رفاهی در ایران فراهم شود.



پروژه‌های مرکز در یک نگاه

گروه فقر

طراحی چارچوب حمایت از
اقشار آسیب‌پذیر

وضعیت پیشرفت پروژه:



● شروع:

مردادماه ۱۴۰۱

● پایان:

بهمن‌ماه ۱۴۰۱

طراحی ماتریس حمایتی نظام
رفاهی ایران با استفاده از بهترین
سرمشق‌های جهانی
وضعیت پیشرفت پروژه:



● شروع:

آذرماه ۱۴۰۱

● پایان پیش‌بینی شده:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

استقرار نظام تأمین اجتماعی
چندلایه در ایران
وضعیت پیشرفت پروژه:



● شروع:

بهمن‌ماه ۱۴۰۱

● پایان پیش‌بینی شده:

آبان‌ماه ۱۴۰۲

گروه تعارض منافع

❑ مشاوره شناسایی و مدیریت
موقعیت‌های تعارض منافع در
معاونت مدیریت منابع و توسعه
وزارت امور اقتصادی و دارایی
< وضعیت پیشرفت پروژه:

70%



● شروع:

دی‌ماه ۱۴۰۱

● پایان پیش‌بینی شده:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

❑ مقابله مسئله‌محور با فساد
و تعارض منافع در سازمان امور
مالیاتی

< وضعیت پیشرفت پروژه:

60%



● شروع:

آبان‌ماه ۱۴۰۱

● پایان پیش‌بینی شده:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

گروه بودجه و داشبوردهای رفاهی

شناسه‌گذاری و طبقه‌بندی
وظیفه‌ای بودجه کشور

< وضعیت پیشرفت پروژه:

۱۰۰%



• شروع:

اسفندماه ۱۳۹۹

• پایان:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

داشبوردهای حمایتی

< وضعیت پیشرفت پروژه:

۳۰%



• شروع:

آذرماه ۱۴۰۱

• پایان پیش‌بینی شده:

تیرماه ۱۴۰۲

داشبوردیارانه‌ها

< وضعیت پیشرفت پروژه:

۵۰%



• شروع:

آذرماه ۱۴۰۱

• پایان پیش‌بینی شده:

خردادماه ۱۴۰۲

داشبورد هزینه-درآمد خانوار

وضعیت پیشرفت پروژه:

۱۰%

● شروع:

دی ماه ۱۴۰۱

● پایان پیش بینی شده:

تیرماه ۱۴۰۲

گروه مسائل اجتماعی

☑ اسکان غیررسمی؛
ریشه‌ها و راهکارها

< وضعیت پیشرفت پروژه:

%۶۵

● شروع:

شهریورماه ۱۴۰۱

● پایان پیش‌بینی شده:

خردادماه ۱۴۰۲

☑ کار کودکان
در خیابان

< وضعیت پیشرفت پروژه:

%۸۰

● شروع:

تیرماه ۱۴۰۱

● پایان پیش‌بینی شده:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

☑ بررسی روند تاریخی
مسأله اعتیاد

< وضعیت پیشرفت پروژه:

%۸۰

● شروع:

شهریورماه ۱۴۰۱

● پایان پیش‌بینی شده:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

گروه بازار کار

آسیب شناسی نظام
تسهیلات دهی اشتغال زایی در
کشور با محوریت بهبود سازوکار
تبصره ۱۸ قانون بودجه
وضعیت پیشرفت پروژه:

۸۰%



- شروع: دی ماه ۱۴۰۱
- پایان: فروردین ماه ۱۴۰۲

پوشش ناکافی بیمه های
اجتماعی با محوریت بیمه
بازنشستگی

وضعیت پیشرفت پروژه:

۵۰%



- شروع: تیرماه ۱۴۰۱
- پایان پیش بینی شده: خردادماه ۱۴۰۲

گروه رسانه

برگزاری دوره
مدیریت تعارض منافع
برای کارکنان دولت

وضعیت پیشرفت پروژه:

۷۵%



- شروع: بهمن ماه ۱۴۰۱

گروه فقر

«فلسفه وجودی گروه»

در طول سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ نرخ سرشمار فقر در ایران از حدود ۲۰ درصد با ۵۰ درصد افزایش به ۳۰ درصد کل جامعه ایران رسیده است. منویات مقام معظم رهبری در خصوص لزوم توجه به معیشت آحاد مردم و دستور رئیس‌جمهور به وزارت رفاه برای تدوین سند مقابله با فقر در اواخر سال ۱۴۰۰ نشان از ضرورت توجه به موضوع فقر در ایران دارد.

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه که در سال ۱۳۹۸ با

توجه به نیازهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی همایش فقر پژوهی را برگزار کرد علاوه بر محصولات این همایش که شامل سه جلد کتاب، شناسایی برترین پژوهش‌های حوزه فقر و غیره است، پایگاه دانش فقر پژوهی بر بستر وب برای تجمیع و معرفی پژوهش‌های حوزه فقر را ایجاد کرد که مجموعه‌ای از کتاب‌ها، گزارش‌های رسمی، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با فقر را در اختیار سیاست‌گذاران، سیاست‌پژوهان و علاقه‌مندان به این حوزه گذاشت.

علاوه بر این، مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه در طول

سال ۱۳۹۸، بالغ بر ۵۰ شماره از «خبرنامه فقر و نابرابری» را به صورت هفتگی تهیه و در اختیار مخاطبان خود قرار داد. این محتوا که از گردآوری اخبار و یادداشت‌های هفتگی سیاست‌گذاران، سیاستمداران، دانش‌گاہیان و روزنامه‌نگاران به دست می‌آمد، بستری برای فهم نگاه عمومی جامعه به موضوع فقر بوده است.

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه در ادامه فعالیت‌های خود در حوزه فقر و با توجه به ضرورت بازاندیشی و واکاوی مسئله محور فقر در ایران در ابتدای سال ۱۴۰۱ گروه «مقابله

با فقر و حمایت‌های اجتماعی» را ایجاد کرد. این گروه با تمرکز بر شناسایی ریشه‌های گسترش فقر در ایران و توسعه مؤثر و بهینه نظام تأمین اجتماعی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اقدامات خود را آغاز کرد.

چشم‌انداز این گروه برای سه سال آینده، تبدیل شدن به یکی از ذی‌نفعان اصلی طراحی سیاست‌های رفاهی در کشور به‌عنوان یک گروه تخصصی است. مأموریت اصلی این گروه نیز شناسایی ریشه‌های اصلی گسترش فقر در کشور و ارائه راهکارهایی عملیاتی برای مواجهه با آن است. در

این فرایند اولویت‌گذاری گروه هدف و همچنین اولویت‌بندی سیاست‌های فقرزدایی با توجه به وضعیت کلان کشور به‌عنوان بخش جدایی‌پذیر لحاظ می‌شود.

هسته اصلی گروه مقابله با فقر و حمایت‌های اجتماعی در مرکز با متخصصان در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی و خط‌مشی‌گذاری عمومی ایجاد شده است. اما علاوه بر این در طول فعالیت‌های این گروه پژوهشگران دیگری در حوزه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی، اقتصاد رفتاری و غیره به‌صورت وابسته همکاری داشته‌اند.

گروه پروژه‌های

طراحی چارچوب
حمایت از اقشار
آسیب‌پذیر



طراحی ماتریس حمایتی نظام
رفاهی ایران با استفاده از بهترین
سرمشق‌های جهانی



استقرار نظام تأمین
اجتماعی چندلایه در
ایران





طراحی چارچوب حمایت از اқشار آسیب پذیر



با ابلاغ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی توسط مقام معظم رهبری، رئیس جمهور دستور اجرایی سازی آن را به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی داد. با توجه به ابعاد متنوع این سیاست بخش مدل حمایت از اқشار آسیب پذیر آن به مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه سپرده شد. در راستای استقرار نظام تأمین اجتماعی فراگیر و یکپارچه به عنوان بخشی از این سیاست، از یکسو لازم است وضع موجود حمایت از اқشار آسیب پذیر در ایران و کاستی‌ها و قوت‌های آن بررسی شود، و از سوی دیگر نیازمندی‌های اқشار خاص که باید در مدل‌های حمایتی در نظر گرفته شود مورد بررسی قرار می‌گیرد. عدم وجود یک نظام حمایتی یکپارچه موجب هدر رفت منابع، عدم پاسخ به نیاز گروه‌های هدف و درنهایت شکست نظام حمایتی کشور می‌شود. بر این اساس گروه مقابله با فقر و حمایت اجتماعی مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه با اتکا به منابع موجود، نشست‌های خبگانی، مطالعات تطبیقی و غیره چارچوب حمایت از اқشار آسیب پذیر را فراهم کرده است.

< وضعیت پیشرفت:



• شروع:

مردادماه ۱۴۰۱

• پایان پیش بینی شده:

بهمن ماه ۱۴۰۱

< جامعه هدف:

- اқشار آسیب پذیر (معلولان، زنان سرپرست خانوار، سالمندان، بیماران، کودکان)
- اқفراد سه دهک پایین جامعه

< نهادهای مخاطب:

- معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- سازمان بهزیستی کشور
- کمیته امداد امام خمینی (ره)

◀ اقدامات و دستاوردهای این پروژه تا پایان سال :

- ◀ معرفی و طراحی الزامات اشتغال عمومی برای گروه‌های فقیر فاقد شغل.
- ◀ توصیف، نگاشت نهادی و مطالعات تطبیقی در حوزه معلولان.
- ◀ توصیف، نگاشت نهادی و مطالعات تطبیقی در حوزه سالمندان.
- ◀ توصیف، نگاشت نهادی و مطالعات تطبیقی در حوزه بیماران.
- ◀ توصیف، نگاشت نهادی و مطالعات تطبیقی در حوزه زنان سرپرست خانوار.
- ◀ توصیف، نگاشت نهادی و مطالعات تطبیقی در حوزه کودکان.
- ◀ پیشنهادهای سیاستی (در قالب احکام قانونی) برای اصلاح و تنظیم نظام حمایتی کشور. به کمک این طرح طیف وسیعی از کودکان زیر ۵ سال تحت پوشش غربالگری سلامت قرار گرفته و حمایت‌های تغذیه‌ای برای کودکان دارای سوءتغذیه فراهم خواهد شد.
- ◀ به کمک این طرح سالمندان بالای ۶۵ سال مستحق تحت پوشش انتقال نقدی حمایتی قرار خواهند گرفت.
- ◀ به عنوان یک موضوع مهم‌تر اشتغال عمومی در سبد طرح‌های حمایتی نظام رفاهی ایران قرار خواهد گرفت.

◀ شرح:

پروژه طراحی چارچوب حمایت از اقشار آسیب‌پذیر پس از دستور رییس جمهور محترم برای اجرایی سازی سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی به مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه واگذار شد. بررسی ابعاد فقر در ایران نشان‌دهنده ریشه‌های متنوع آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی مختلف است. بخش عمده‌ای از وضعیت نابه‌سامان معیشت گروه‌های آسیب‌پذیر از وضعیت اقتصاد کلان ایران ناشی می‌شود که خود را در قالب شاخص‌های کلان اقتصادی همچون سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ اشتغال و مشابه آن نشان می‌دهد.

علاوه بر این، گروه عمده‌ای از فقرا به خاطر شوک‌های ناگهانی اقتصادی-

اجتماعی در وضعیت آسیب‌پذیر قرار می‌گیرند. جهش‌های قیمت ناگهانی، از دست رفتن شغل، هزینه‌های فقرزای بیماری و غیره برخی از مثال‌های این شوک‌ها است. اصلی‌ترین پاسخ برای جلوگیری از تبدیل این شوک‌ها به فقر، گسترش نظام بیمه‌ای و فراگیر کردن آن در میان آحاد جامعه است. با توجه به اینکه لایحه بیمه‌ای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی توسط اداره کل بیمه‌های اجتماعی آن وزارتخانه در حال پیگیری است، این بخش از مطالعات مرکز خارج و تمرکز گروه بر لایحه صفر و حمایت‌های اجتماعی غیر بیمه‌ای قرار گرفت.

این بخش که شامل گروه‌های آسیب‌پذیر و فقرای بی‌کار بود در دو سطح مورد توجه قرار گرفت.

سطح اول مربوط به فقرای شهری و روستایی می‌شود که امکان کار دارند، اما به دلایل متعددی یا غیرفعال شده‌اند و یا در جستجوی کار هستند. با توجه به گسترش برنامه‌های توانمندسازی در سطح کشور برای ارتقای توانمندی اجتماعی-اقتصادی، تمرکز مطالعات بر ارائه سیاستی جدید در کنار توانمندسازی این افراد قرار گرفت. اشتغال عمومی به‌عنوان ظرفیتی قابل توجه که در بسیاری از کشورهای جهان با دلایلی متعدد، اما هدفی یکسان (یعنی تأمین نیازهای اساسی فقرا با تضمین دوره‌ای اشتغال) اجرا شده است، به‌عنوان مدل حمایت از فقرای دارای امکان کار در ایران توسعه داده شد. برای اجرای این کار، بررسی ادبیات جهانی حول موضوع

اشتغال عمومی، تجربه کشورهای، اصول بنیادین حاکم بر مشاغل عمومی، بررسی تجربه اجراهای آزمایشی این سیاست در ایران، ارائه نخبگانی این سیاست برای پاسخ به ناکاستی‌های نظری و غیره در دستور کار قرار گرفت.

تلاش شد تا مدل حمایت از اقشار خاص، سالمندان، معلولان، زنان سرپرست خانوار، بیماران و کودکان که به لحاظ بدنی یا اجتماعی ناتوان از ورود به بازار کار هستند تکمیل شود. با توجه به اینکه هر کدام از این گروه‌ها ویژگی خاص خود را داشته و به دلایلی متفاوت در بازار کار حضور ندارند، به صورت مجزا از یکدیگر مورد بررسی و پژوهش قرار گرفت.

برای دستیابی به مدل حمایتی مناسب برای هر کدام از این

گروه‌ها ابتدا توصیف وضعیت آنان در کشور در دستور کار قرار گرفت، این توصیف شامل بررسی جمعیت‌شناختی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی این گروه‌ها و غیره بوده است. علاوه بر این نظام حمایتی مستقر از این گروه‌ها مورد واکاوی قرار گرفت که شامل سازمان‌های مسئول، برنامه‌های حمایتی در حال اجرا، کاستی‌ها و نقاط قوت آن، اعتبارات تخصیصی و غیره می‌شود. با توجه به این توصیفات که از طریق بررسی‌های اسنادی، نخبگانی و میدانی انجام شده است، فرایند آسیب‌شناسی مدل حمایتی هر کدام از این گروه‌ها انجام و مشکلات اصلی احصا شد. از طرف دیگر با بررسی تطبیقی حمایت از این گروه‌ها در سایر نقاط جهان (شامل بهترین سرمشق‌ها و مناسب‌ترین

سیاست‌ها با توجه به بستر ایران) تلاش شد، برنامه‌های مناسب برای پاسخ به نیازهای حمایتی این گروه‌ها طراحی شود.

با طراحی نظام حمایتی از این اقشار، فرایند ارائه نخبگانی و اصلاح مدل آغاز شد. در این فاز مدل طراحی‌شده به نخبگان دانشگاهی، اندیشه‌ورزی، سازمان‌های اجرایی، کنشگران اجتماعی و غیره ارائه و نظرات آنان گردآوری گردید. بر اساس تجمیع نظرات کارشناسی مدل حمایتی بازاصلاح و نسخه نهایی آن طراحی شد.

در فاز نهایی این پروژه مدل طراحی‌شده و سیاست‌های پیشنهادی آن، در قالب احکام قانونی تنظیم و در اختیار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار گرفت.



طراحی ماتریس حمایتی نظام رفاهی ایران با استفاده از بهترین سرمشق‌های جهانی

توجه به برنامه‌های حمایتی سایر کشورها به صورت بخشی امری متداول در ایران است. اکثر سازمان‌ها از اقدامات و برنامه‌های حمایتی اجرا شده در سایر کشورها اطلاع دارند. با این حال، متخصصان این حوزه همواره مشکل عدم وجود یکپارچگی در ارائه حمایت‌های اجتماعی را مطرح می‌کنند. سازمان بین‌المللی کار با استفاده از الگوی کف حمایت اجتماعی بر اساس دوره‌های زندگی پیشنهاد می‌کند مدلی یکپارچه برای تمام حمایت‌های لازم تدوین شود. بر اساس این تجربیات، مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه در این پروژه با بررسی کشورهای که تجربه فقرزدایی موفقیت‌آمیز داشته‌اند، تمام حمایت‌های ارائه شده در یک بسته یکپارچه را جمع‌آوری و مؤلفه‌های اصلی آن را مورد بررسی قرار داد. در این پروژه بر اساس مدل اقتصادسنجی نزدیک‌ترین کشورها به ایران احصا و بر اساس حمایت‌های ارائه شده برای گروه‌های مختلف «بهترین سرمشق» ماتریس حمایتی طراحی می‌شود. ارائه چنین ماتریسی به پژوهش‌گران و سیاست‌گذاران چشم‌اندازی از یک نظام حمایتی مطلوب ارائه می‌کند. با چنین چشم‌اندازی امکان بررسی کاستی‌ها و نقاط قوت نظام حمایتی ایران مشخص و مؤلفه‌های آن با یک نظام حمایتی مطلوب مورد مقایسه قرار می‌گیرد. نتیجه چنین فرایندی سیاست‌گذاری برای جبران خلأهای نظام حمایتی ایران خواهد بود.

وضعیت پیشرفت:

۳۰%

شروع:

آذرماه ۱۴۰۱

پایان پیش‌بینی شده:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

< جامعه هدف:

- ◀ مددجویان تحت پوشش نهادهای حمایتی
- ◀ افراد دریافت کننده مزایای اجتماعی
- ◀ جمعیت زیر خط فقر کشور

< نهادهای مخاطب:

- ◀ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- ◀ سازمان بهزیستی کشور
- ◀ کمیته امداد امام خمینی (ره)
- ◀ سازمان تأمین اجتماعی
- ◀ نهادهای انقلابی دارای مأموریت در مناطق محروم

< اقدامات و دستاوردهای این پروژه تا پایان سال:

- ◀ طراحی ماتریس تحلیلی-مقایسه‌ای برنامه‌های حمایتی
- ◀ شناسایی کشورهای با تجربه فقرزدایی موفقیت‌آمیز

< اقدامات و دستاوردهای آتی تا تیر ۱۴۰۲

- ◀ گردآوری و تحلیل برنامه‌های حمایتی کشورهای با تجربه فقرزدایی موفق
- ◀ تدوین بهترین الگوی فراگیر حمایت اجتماعی از گروه‌های هدف در ایران
- ◀ انتظار می‌رود در پایان این پروژه دستگاه‌های اجرایی با استفاده از این ماتریس خلأهای حمایتی خود را تکمیل و سازوکار انتقال حمایت را با توجه به بهترین سرمشق‌های جهانی اصلاح کنند.
- ◀ انتظار می‌رود در پایان این پروژه با نگاهی جامع‌نگر به تمام نهادهای حمایتی روابط میان طرح‌های رفاهی منطقی و هم‌راستا شود.

شرح:

پروژه «طراحی ماتریس حمایتی نظام رفاهی ایران با استفاده از بهترین سرمشق‌های جهانی» با چندین سؤال اصلی درباره نظام حمایتی آغاز شده است. از چه کسانی باید حمایت کرد؟ از هرگروه هدف باید چه حمایت‌هایی به عمل آورد؟ حمایت‌ها برای موفق عمل کردن باید چگونه ارائه شوند؟ اولویت اصلی با کدام گروه‌ها است؟ اصلی‌ترین حمایت‌ها از هر گروه چیست؟

تمام پژوهش‌گران و سیاست‌گذاران حوزه رفاه اجتماعی با این سؤالات مواجه هستند. اگرچه در بسیاری از موارد پاسخ این سؤالات پیش‌فرض محسوب می‌شود، اما واقعیت آن است که پاسخ دادن به این سؤالات بسیار پیچیده و

دشووارتر از آنچه به نظر می‌رسد است.

سازمان بین‌المللی کار برای پاسخ به این سؤال ماتریسی را پیشنهاد می‌کند که بر اساس دوره‌های زندگی طراحی شده است. این ماتریس به‌عنوان یک پلتفرم کمک می‌کند تا سؤالات درست پرسیده شود و پاسخ به هر سؤال در جای خود قرار گیرد. مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه در چشم‌اندازی کلان برای پاسخ به این سؤالات مجموعه‌ای از پروژه‌ها را در جریان قرار داده است. یکی از این پروژه‌ها پاسخ به این ماتریس بر اساس بهترین سرمشق‌های جهانی متناسب با بافت ایران است.

یک ماتریس حمایتی تعیین می‌کند در هر دوره زندگی (کودکی،

در سن کار، سالمندی) چه گروه‌های حمایتی وجود دارد، هر کدام از این گروه‌های حمایتی چه نیازهایی دارند و در نتیجه چه نوع حمایت‌هایی را باید در اختیار آن‌ها قرار داد. علاوه بر این، با توجه به ویژگی‌های هر گروه حمایتی باید مشخص شود که سازوکار ارائه حمایت‌ها به این گروه‌ها باید به چه نحو باشد تا بهینه‌ترین خدمات ارائه شود.

چه در سطح گروه‌های حمایتی و چه در سطح برنامه‌های حمایتی در هر گروه با تجمیع اطلاعات در کنار یکدیگر می‌توان منظرگاهی برای مقایسه آنان ایجاد کرد تا با توجه به وضعیت منابع، اصلی‌ترین گروه‌ها، اصلی‌ترین نیازها و درنهایت کف آستانه‌ای استحقاق دریافت حمایت مشخص

شود.

پاسخ به چنین سؤالی مستلزم توصیف وضعیت هر کدام از این گروه‌ها در ایران، خدمات فعلی ارائه شده در هر کدام از آنها در حال حاضر و سطح ارائه خدمات به آنان از یک طرف، و بررسی تجربه بهترین کشورها از طرف دیگر است. توصیف وضعیت موجود ارائه حمایت‌ها در حال حاضر در پروژه‌ای متمایز در مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه در جریان است. اما از طرف دیگر یک ماتریس استاندارد که بر اساس تجربه کشورهای موفق در حوزه فقرزدایی طراحی شده باشد، به لحاظ نظری گروه‌های نیازمند به حمایت و برنامه‌های حمایتی موردنیاز برای آنان را شناسایی و چگونگی ارائه خدمت به آنان را مشخص می‌کند.

این ماتریس به سازمان‌ها و پژوهشگران اجازه می‌دهد وضعیت حمایت‌های اجتماعی ارائه شده در ایران را با یک چارچوب استاندارد ارائه خدمت مقایسه و کاستی‌ها و قوت‌های نظام حمایتی مستقر را درک کنند. علاوه بر این اجازه می‌دهد ذی‌نفعان با برنامه‌های موفق جهانی در حوزه حمایت اجتماعی آشنا و با استفاده از آن برنامه‌های مستقر را بهینه و یا حتی برنامه‌های جدیدی را اضافه کنند. نکته مهم‌تر آنکه این ماتریس ارتباط اجزای نظام حمایتی به یکدیگر را نشان داده و کمک می‌کند تا نهادهای حمایتی برنامه‌های خود را در یک نظام ملی حمایت اجتماعی یکپارچه سازند. اجرای این پروژه در سه فاز اصلی شامل مبانی نظری و روشی،

مطالعه تطبیقی کشورها و طراحی ماتریس حمایتی استاندارد است. در فاز اول طراحی ماتریس، شناسایی تجربه‌های موفق، روش‌شناسی انتخاب متناسب‌ترین کشورها با وضعیت ایران و غیره قرار دارد. در حال حاضر این بخش از پروژه اجرا شده است. فاز دوم تکمیل ماتریس برای هر کدام از کشورهای منتخب است. پژوهشگران اسناد مرتبط با هر کشور را مطالعه و سؤالات ماتریس درباره برنامه‌های حمایتی آن کشور را پاسخ خواهند داد. در نهایت، در فاز سوم پروژه بر اساس تحلیل و تطبیق برنامه‌های تمام کشورهای مورد مطالعه ماتریس استاندارد حمایت از گروه‌های هدف طراحی خواهد شد.



استقرار نظام تأمین اجتماعی چندلایه در ایران

بر اساس گزارش‌های صندوق‌های بیمه‌گر ضریب نفوذ بیمه در ایران حدود ۷۰ درصد است و بالغ‌بر ۳۰ درصد خانوارهای ایران فاقد هیچ نوع بیمه اجتماعی هستند. از طرف دیگر بر اساس داده‌های هزینه درآمد خانوار بخش عمده‌ای از خانوارهای دهک‌های اول را سرپرستان سالمند تشکیل می‌دهند. این گزاره‌ها به‌وضوح تأثیر فقدان بیمه در فقر دوران سالمندی را نشان می‌دهد. از طرفی از شروع برنامه پنجم توسعه تا کنون موضوع استقرار نظام تأمین اجتماعی چندلایه در کشور مطرح بوده است، اما تاکنون تلاش‌ها برای استقرار آن بی‌نتیجه بوده است. در همین راستا مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه پروژه استقرار نظام تأمین اجتماعی چندلایه را در دستور کار خود قرار داده است. با توجه به گستردگی موضوع استقرار نظام تأمین اجتماعی چندلایه، این پروژه بر فراگیری نظام بیمه اجباری (لایه یک بر اساس مدل بانک جهانی) تمرکز دارد. انتظار می‌رود در انتهای این پروژه سازوکار اجرایی نظام بیمه اجباری مبتنی بر شغل طراحی و در اختیار سیاست‌گذاران قرار گیرد.

< وضعیت پیشرفت:

۱۰%



< جامعه هدف:

- ◀ شاغلان غیررسمی
- ◀ صندوق‌های بازنشستگی

< نهادهای مخاطب:

- ◀ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- ◀ سازمان تأمین اجتماعی

• شروع:

بهمن‌ماه ۱۴۰۱

• پایان پیش‌بینی شده:

آبان‌ماه ۱۴۰۲

اقدامات و دستاوردها:

- گردآوری پیشینه پژوهش
- تهیه نظام مسائل حوزه بیمه‌های اجتماعی

اقدامات و دستاوردهای آتی تا تیر ۱۴۰۲:

- تدوین مبانی نظری و پیشینه پژوهش
- امکان‌سنجی فنی استقرار بیمه پایه اجباری تمام شاغلان
- انتظار می‌رود در پایان این طرح بتوان تمام شاغلان غیررسمی را ذیل طرح بیمه اجتماعی پایه شاغلان قرار داد و متعاقباً نرخ فقر سالمندی در ایران کاهش یابد. بر اساس برآوردها تا سال ۱۴۲۰ حدود ۲۵ درصد از جمعیت ایران در دوران سالمندی خواهند بود و عدم وجود یک بیمه پایه ریسک فقر آنان را افزایش خواهد داد.

سازمان تأمین اجتماعی
SOCIAL SECURITY ORGANIZATION

شرح:

نظام تأمین اجتماعی چندلایه ساختاری تکامل یافته از نظام‌های تأمین اجتماعی است که هر یک از کارکردها را در جایگاه متناسب خود قرار می‌دهد تا اقشار مختلف جامعه متناسب با شرایط خاص خود مورد حمایت قرار گیرند. این‌گونه نظام‌ها از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی مورد بحث قرار گرفته و بیش از همه مورد تأکید بانک جهانی بوده است. با این وجود، سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه اروپا نیز مدل‌های خاص خود را از این نظام ارائه کرده‌اند.

مهم‌ترین مشکل عدم وجود نظام تأمین اجتماعی چندلایه، امکان ناپذیری ایجاد کف حمایت اجتماعی برای تمام اقشار جامعه است. به این معنی که طرح‌های پراکنده رفاهی موجب موازی کاری، عدم هم‌افزایی سازمان‌های متولی، هدر رفت منابع، مشکلات نوع اول و دوم در

شناسایی گروه هدف (هدف قرار دادن غیر نیازمندان و عدم پوشش نیازمندان) و موارد مشابه است.

از طرف دیگر بسیاری از اظهارنظرهای کارشناسی و پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که بخشی از ریشه بحران صندوق‌های بازنشستگی در ایران نیز مربوط به عدم وجود نظام تأمین اجتماعی چندلایه است. بر اساس گزارش‌ها، ادغام طرح‌های حمایتی در نظام بیمه‌ای موجب ناپایداری منابع درآمدی صندوق‌های بازنشستگی می‌شود. به عنوان مثال بیمه قالیبافان، بیمه مشاغل خانگی، بیمه خادمین مساجد، بیمه صیادان و مشابه آن که بخش عمده‌ای از منابع اعتباری آن از طریق دولت تأمین مالی می‌شود و سهم کارفرمایی در آن حذف شده است، فشار مالی صندوق‌های بازنشستگی را افزایش داده است. در صورتی که صندوق‌های بازنشستگی مبتنی بر مزایای

معین برای کارگران تمام‌وقت تدارک دیده شده است، پوشش حمایتی سایر گروه‌ها در آن موجب عدم تراز دریافتی‌ها و پرداختی‌ها در آن خواهد شد.

علاوه بر ادغام طرح‌های حمایتی (که تأمین مالی آن از طریق مالیات است) در نظام بیمه‌ای (که مبتنی بر مشارکت مشترکان است) باید عدم وجود نظام‌های تأمین اجتماعی داوطلبانه را در شکل‌گیری بحران تأمین اجتماعی دخیل دانست. نظام‌های تأمین اجتماعی خصوصی که مبتنی بر سرمایه‌گذاری در پرتفویهای سرمایه‌گذاری تضمین شده (با ریسک پایین) است، برای گروهی از شهروندان با درآمد بالا طراحی شده است که می‌خواهند در دوران سالمندی و یا از کارافتادگی درآمد بیشتری کسب کنند.

با توجه به عدم وجود چنین سازوکاری، نظام بیمه اجباری پایه برای جبران این شکاف مجبور به تفاوت پرداخت

مستمری تا هفت برابر شده است (لازم به ذکر است که قید هفت برابر در سال‌های اخیر اضافه شده است و تا پیش از آن بسیار بیشتر از این مقدار بوده است). به زبان ساده درحالی‌که مستمری بازنشستگی یک شهروند کف ۵۶ میلیون ریال در ماه است، نرخ مستمری شهروند دیگر می‌تواند ۳۹۲ میلیون ریال باشد. این عامل بخصوص زمانی که با عوامل مداخله‌گر دیگر ترکیب شود (مستمری بازنشستگان بر مبنای پرداختی ۲ سال انتهای کار محاسبه می‌شود، یعنی کارگران با استفاده از شکاف‌های قانونی می‌توانند پرداخت خود در دو سال آخر اشتغال را افزایش دهند) موجب بخش عمده‌ای از نا ترازوی صندوق‌های بازنشستگی می‌شوند.

از طرف دیگر عدم وجود نظام تأمین اجتماعی چندلایه موجب می‌شود گروه‌های ضعیف جامعه از خدمات

رفاهی برخوردار نشوند. اساس نظام رفاهی ایران مبتنی بر «هموارسازی مصرف» برای مشارکت‌کنندگان اقتصادی است، درحالی‌که نظام تأمین اجتماعی دو وظیفه را بر عهده دارد: اول، ایجاد یک تورایمی که تضمین‌کننده عضو نیازمند جامعه از حداقل سطح درآمد نقدی، خدمات درمانی و خدمات اجتماعی برخوردار شود و دیگری، وظیفه حفظ سطح درآمد اعضای فعال جامعه در زمان بیکاری، بیماری، بارداری، بازنشستگی، ازکارافتادگی، بازماندگی و زمانی که کسب درآمد از روش‌های دیگر ممکن نباشد.

پژوهش‌های متعددی در حوزه نظام تأمین اجتماعی چندلایه در ایران انجام شده است و چند کتاب نیز در این حوزه تألیف شده است. با توجه به اینکه لایه‌های مختلفی برای نظام تأمین اجتماعی چندلایه قابل تصور است و سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی

کار و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی هر کدام نظام اختصاصی خود را پیشنهاد داده‌اند، در پژوهش‌های متعدد لایه‌های این نظام برای ایران نیز تعریف شده است. اما همچنان سازوکار استقرار این نظام در ایران مورد توجه جدی پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار نگرفته است. این پروژه با تمرکز بر استقرار نظام بیمه اجباری پایه برای تمام شاغلان به دنبال پاسخ به شکاف بیمه‌ای در کشور و جلوگیری از فقر دوران سالمندی است.

گروه

تعارض منافع

«فلسفه وجودی گروه»

در سال‌های اخیر موضوع تعارض منافع به یکی از مسائل اصلی نظام حکمرانی در ایران تبدیل شده است. ریشه توجه به مسئله تعارض منافع در چنین سطحی را باید به توجه سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران در رابطه با کنترل فساد مرتبط دانست. در سال ۱۳۸۰ فرمان هشت ماده‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به سران قوا درباره مبارزه با مفساد اقتصادی نقطه عطف توجه حکومت به موضوع مبارزه با فساد بود. در ابتدای نیمه دوم دهه ۹۰ موضوع تعارض منافع به‌عنوان

یکی از گلوگاه‌های مهم شکل‌گیری فساد مورد توجه دست‌اندرکاران دولت و بازوی فکری آن یعنی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری قرار گرفت و مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه نیز به‌طور ویژه بر این موضوع متمرکز شدند. تعارض منافع اغلب به‌عنوان بستر اصلی فساد اداری و اقتصادی در کشور شناسایی شده است. تعارض منافع پیامدهای مهمی در ناکارآمدی نظام تصمیم‌گیری، تبعیض و تضعیف اعتماد عمومی دارد که هر یک از این مولفه‌ها توسعه کشور را دچار اختلال و وقفه می‌کند. به زبان ساده فساد کمترین پیامد موقعیت‌های تعارض منافع در نظام اداری کشور است و ناکارآمدی مشکلی

پیچیده‌تر در این میان به حساب می‌آید. با روی کار آمدن دولت سیزدهم، موضوع تعارض منافع در مفاد عهدنامه میان دولت و مردم قرار گرفت و همین موضوع به پیشبرد بیشتر مسئله مدیریت تعارض منافع در دستگاه‌های اجرایی منجر شد. انتصاب نماینده ویژه رئیس‌جمهور در امر مبارزه با فساد که تعارض منافع یکی از بخش‌های اصلی آن بود از یک طرف و دستور معاون اول رئیس‌جمهور به سازمان جهاد دانشگاهی و متعاقباً مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه برای شناسایی مصادیق تعارض منافع در دستگاه‌های اجرایی کشور از تحولات عمده مدیریت تعارض منافع در دولت جدید

است. مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی از سال ۱۳۹۸ بر تعارض منافع به‌عنوان یکی از ریشه‌های ناکارآمدی و فساد در دستگاه‌های اجرایی کشور متمرکز شده است. این مرکز از زمان ورود به موضوع تعارض منافع دو هدف اصلی را به‌طور هم‌زمان پیگیری کرده است، ابتدا توسعه مبانی نظری و ادبیات تعارض منافع که محصول آن در قالب پنج جلد کتاب به علاقه‌مندان عرضه شده است و سپس شناسایی مصادیق تعارض منافع در دستگاه‌های اجرایی که محصول آن گزارش‌های شناسایی مصادیق تعارض منافع در بیش از ۱۵ دستگاه اجرایی توسط کارگروه تعارض منافع بوده است.

برای توسعه شیوه‌های شناسایی مصادیق تعارض منافع نیز گزارش‌های تخصصی‌ای تدارک دیده شد که ازجمله آن‌ها می‌توان به گزارش «چارچوب شناسایی مصادیق تعارض منافع در دستگاه‌های دولتی» اشاره کرد. محصول حدود چهار سال ورود مرکز توانمندسازی به شناسایی تعارض منافع، توسعه روش‌هایی برای شناسایی مصادیق بوده است که حاصل آن اطمینان معاونت اول ریاست‌جمهوری برای سپردن شناسایی مصادیق تعارض منافع در دستگاه‌های اجرایی دولت بوده است. به‌علاوه آشنایی کارکنان دستگاه‌های اجرایی با مفاهیم تعارض منافع و روش‌های مدیریت آن یکی از اهداف

اصلی مرکز بوده است که تدوین و تدریس دوره‌های آشنایی با تعارض منافع و تدوین و انتشار کتاب «تعارض منافع به زبان ساده ویژه کارکنان دولت» بوده است. به‌علاوه تولید دوره آموزش مجازی تعارض منافع برای کارکنان دولت در دستور کار این کارگروه قرار گرفته است و به‌زودی تولید و منتشر خواهد شد. در حال حاضر گروه تعارض منافع مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه در دو پروژه «مشاوره شناسایی و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع در معاونت مدیریت منابع و توسعه وزارت اقتصاد» و «مسئله محوری با رویکرد مقابله با فساد و تعارض منافع در سازمان امور مالیاتی» فعالیت می‌کند.

گروه پروژه‌های



مشاوره شناسایی و مدیریت
موقعیت‌های تعارض منافع
در معاونت مدیریت منابع و
توسعه وزارت امور اقتصادی
و دارایی



مقابله مسئله محور با
فساد و تعارض منافع در
سازمان امور مالیاتی



مشاوره شناسایی و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع در معاونت مدیریت منابع و توسعه وزارت امور اقتصادی و دارایی



به سبب مورد توجه قرار نگرفتن اصول تعارض منافع در طراحی ساختار اداری ایران، تمام دستگاه‌های اجرایی ایران با موقعیت‌های تعارض منافع و پیامدهای آن مواجه هستند. وزارت امور اقتصادی و دارایی نقش اصلی را در این زمینه از طریق اصلاح مدیریت اقتصادی بخش عمومی و مبارزه با فساد مالی را بر عهده دارد. بنابراین شناسایی و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع در این نهاد از اولویت برخوردار است. از سوی دیگر ترسیم نقشه ریسک تعارض منافع در دستگاه‌های اجرایی نشان می‌دهد که بخش‌هایی از سازمان که با ذینفعان بیرونی آن ارتباط مستقیمی دارند، در معرض ریسک تعارض منافع بالاتری قرار خواهند داشت. لذا به نظر می‌رسد مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع در معاونت مذکور از این حیث نیز از ضرورت بیشتری برخوردار است. از آنجایی که بروز موقعیت‌های تعارض منافع در سیستم اداری امری زمینه‌مند است و بسته وظایف و مأموریت‌های هر دستگاه، زیرسیستم‌های آن و روابطشان با یکدیگر و ارتباط دستگاه با ذینفعان بیرونی خود به اشکال مختلف بروز خواهد کرد و راهکارهای اختصاصی‌ای را نیز می‌طلبد، لذا در این پروژه با بهره‌گیری از مدل مشاوره‌ای سعی شده است از دانش و اطلاعات کارکنان سازمان برای مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع بهره گرفته شود.

وضعیت پیشرفت:

70%



• شروع:

دی‌ماه ۱۴۰۱

• پایان پیش‌بینی شده:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

جامعه هدف:

- کارکنان معاونت مدیریت منابع و توسعه وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ذینفعان بین دستگاهی یا بیرونی آن (بخش خصوصی، عموم مردم و ...)
- با توجه به هر یک از موقعیت‌های شناسایی شده

- متقاضیان استخدام در این وزارتخانه
- (با توجه به ماهیت وظایف معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی و موقعیت‌های شناسایی شده)
- تأمین‌کنندگان معاونت مدیریت منابع و توسعه وزارت امور اقتصادی و دارایی
- (اعم از کالا و خدمات)

◀ نهادهای مخاطب:

◀ وزارت اقتصاد؛ کمیته سلامت اداری و
سیانت از حقوق مردم.

◀ اقدامات و دستاوردها:

◀ شناسایی موقعیت‌های تعارض
منافع در معاونت مذکور
◀ بیش از ۳۰ مصاحبه تخصصی با
کارکنان معاونت هدف
◀ برگزاری کارگاه آموزش مفاهیم تعارض
منافع برای کارکنان معاونت مذکور
◀ برگزاری کارگاه برای آشنایی کارکنان
با موقعیت‌های تعارض منافع
موجود در معاونت و ایجاد انگیزه برای
مشارکت در حل مسئله
◀ اولویت‌بندی موقعیت‌های تعارض
منافع احصاء شده توسط مدیران و
کارشناسان معاونت

◀ تعیین ذینفعان و عاملان تغییر هر
یک از موقعیت‌ها
◀ برگزاری جلسات حل مسئله و ارائه
راهکار با حضور ذینفعان

◀ اقدامات و دستاوردهای آتی تا تیرماه:

◀ برگزاری جلسات متعدد با ذینفعان
هر یک از موقعیت‌های احصاء شده
با هدف واکاوی مسائل و ارائه راهکار
◀ ارائه راهکار برای موقعیت‌های
اولویت‌دار
◀ تسهیل‌گری برای حل
موقعیت‌های تعارض منافع در
معاونت
◀ ارائه گزارش کارشناسی نهایی پروژه
◀ ارائه راهکارهایی برای حل مشکلات
سامانه تدارکات الکترونیکی دولت

◀ ارائه راهکار برای برخی از مسائل
کارکنان سازمان نظیر دریافت خدمات
رفاهی
◀ ارائه راهکارهایی برای نظارت
دقیق‌تر بر فرایند انتصابات و
استخدامها
◀ مدیریت اشتغال بیرونی کارکنان
معاونت مذکور
◀ تدوین دستورالعمل‌ها یا
آیین‌نامه‌ها در صورت نیاز
◀ کاهش فساد در فرایندهای
مالیات‌ستانی
◀ افزایش درآمدهای دولت از محل
مالیات و کاهش کسری بودجه
◀ کاهش فشار مالیاتی بر فعالان
اقتصادی (حقیقی و حقوقی)

شرح:

به سبب موردتوجه قرار نگرفتن اصول تعارض منافع در طراحی سیستم اداری - اجرایی و وضع قوانین در کشور، موقعیت‌های تعارض منافع با تاروپود ساختار اداری کشور عجزین شده است. درگیری نظام اداری کشور با موقعیت‌های تعارض منافع، هم‌زمان با خصوصی‌سازی و برون‌سپاری فعالیت اجرایی سازمان‌های دولتی در دهه ۷۰ تشدید شده است. لذا می‌توان گفت تمام دستگاه‌های اجرایی کشور درگیر پیامدهای ناشی موقعیت‌های تعارض منافع هستند

اقتصاد، حوزه‌ای مؤثر بر رفاه و رضایت زندگی روزانه مردم است. مقبولیت نظام در گرو کارآمدی، از جمله کارآمدی اقتصادی آن است.

وزارت امور اقتصادی و دارایی نقش اصلی را در این زمینه از طریق اصلاح مدیریت اقتصادی بخش عمومی، بهبود شاخص‌های اثربخشی دولت، بهبود کیفیت مقررات، تعمیق حاکمیت قانون و مبارزه با فساد به‌ویژه فساد مالی، بر عهده دارد. بنابراین ضروری است با شناسایی و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع در این نهاد، زمینه‌های بروز فساد را کاهش داد و بر کارآمدی عملکرد این وزارتخانه افزود. لذا پروژه «مشاوره شناسایی و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع در معاونت مدیریت منابع و توسعه وزارت اقتصاد» به‌عنوان یکی از پروژه‌های اصلی کارگروه تعارض منافع در سال ۱۴۰۱ در دستور کار قرار گرفته است.

تجربه کارگروه تعارض منافع در

پروژه‌های پیشین نشان داده است که موقعیت‌های تعارض منافع با توجه به بافت هر سازمان، مأموریت‌ها و وظایف آن و فرایندهای اختصاصی آن، مقتضیات خاص خود را پیدا می‌کند که عملاً نمی‌توان از راهکارهای واحد برای حذف یا مدیریت آن بهره گرفت. به زبان ساده استخدام متخصصانی در حوزه تعارض منافع در چنین شرایطی لزوماً نمی‌تواند به مدیریت تعارض منافع در این بخش‌ها منتهی شود.

از سوی دیگر هیچ اطمینانی وجود ندارد که با مدیریت تمام موقعیت‌های تعارض منافع در سازمان، به کارآمدی سازمان افزوده شود و گاهاً به دلیل مسائلی مانند معیوب بودن سایر فرایندها و قوانین سازمان مدیریت برخی از

موقعیت‌ها به روش‌ها و راهکارهای معمول، موجب ناکارآمدی و قفل شدن برخی از فعالیت‌های سازمان شود. بنابراین در معاونت مذکور می‌بایست ابتدا موقعیت‌های تعارض منافع شناسایی شده اولویت‌سنجی شوند و سپس در یک فرایند واسازی ریشه این مسائل شناسایی شود، آنگاه استفاده از ابزارهای مدیریت تعارض منافع به‌عنوان یک شیوه کارآمد مورد استفاده گیرد. بنابراین مدیریت تعارض منافع صرفاً با حضور متخصصان تعارض منافع ممکن نیست، بلکه حضور فعال خود مدیران و کارکنان سازمان در فرایند مسئله‌یابی و رسیدن به راهکار را می‌طلبد. کسانی که شناختی کامل به سازمان و اکوسیستم آن دارند و می‌توانند به‌صورت کارآمد نظام

مسائل را احصا و مشکلات را واسازی کنند. بر اساس همین ملاحظات مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه در این پروژه با آگاهی به قوت‌ها و محدودیت‌های خود از شیوه شناسایی علی‌رأس مصادیق تعارض منافع در سازمان‌ها فاصله گرفته و روش مشاوره‌ای را به‌عنوان یک شیوه بهینه و کارآمد به کار گرفته است. رویکردهای متعددی برای ارائه مشاوره به سازمان‌ها و دستگاه‌ها وجود دارد که بسته به وضعیت سازمان و موضوع مشاوره می‌توان از آن‌ها بهره گرفت. بررسی رویکردهای مشاوره نشان می‌دهد که بهترین مدل مشاوره‌ای در حوزه مدیریت تعارض منافع از نوع فرایندمحور است. در این رویکرد کارشناسان کارگروه تعارض منافع

با توجه به تخصص خود در زمینه مدیریت تعارض منافع وارد سازمان می‌شوند و آموزش‌های لازم را ارائه می‌کنند که مسئولان پیدا کنند، سپس مشاوران مرکز به‌عنوان تسهیلگر به عاملان تغییر در خود سازمان کمک می‌کنند تا موقعیت‌های تعارض منافع در سازمان شناسایی شود، آنگاه همین عاملان با همراهی مشاوران پیامدها را شناسایی می‌کنند. متولیان به همراه مشاوران تلاش خواهند کرد تا اکوسیستم سازمان را به‌خوبی درک کرده و شیوه‌های مدیریت تعارض منافع به کارآمدی سازمان صدمه نزنند. از طرف دیگر مشاوران ابزارهای لازم را در اختیار متولیان قرار می‌دهند تا بهترین شیوه مدیریت تعارض منافع در

دستگاه به دست آید.

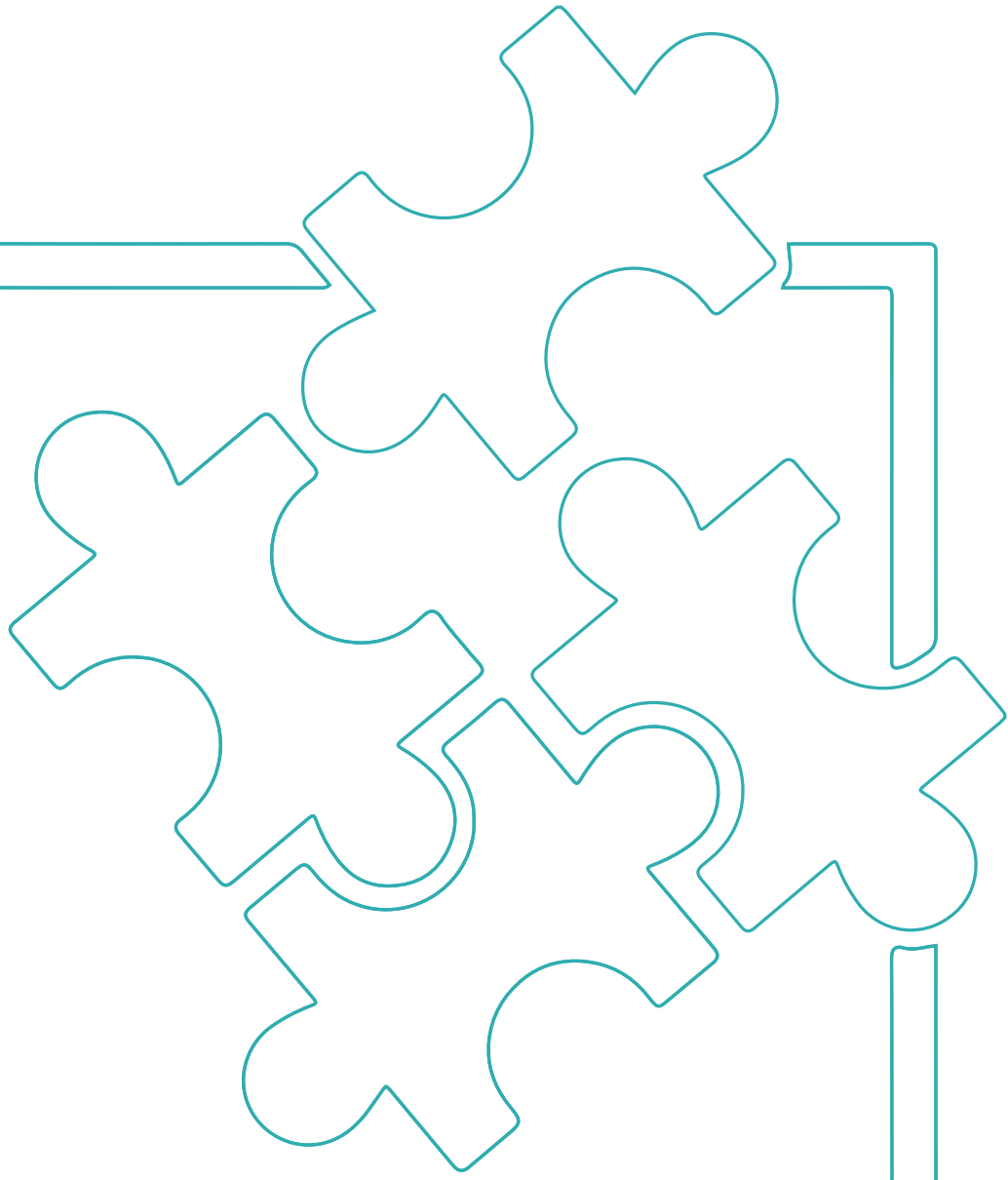
در این پروژه متخصصان مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه در تعامل با کارشناسان و مدیران معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی ابتدا موقعیت‌های تعارض منافع در معاونت مذکور را شناسایی کرده و به درک نسبی از ساختار و فرایندهای این معاونت دست پیدا کرده‌اند. سپس در تعامل با سازمان با ایجاد کارگروهی متشکل از کارشناسان مرکز توانمندسازی و معاونت، عوامل اصلی تغییر در موضوع مدیریت تعارض منافع در سازمان دور یکدیگر جمع شده و هسته اصلی پیگیری مدیریت تعارض منافع در سازمان را تشکیل دادند.

در گام اول یک آموزش تخصصی برای حاضران در کارگروه تدارک

دیده شد تا این افراد به‌طور کامل با مفهوم، انواع و موقعیت‌های تعارض منافع آشنا شوند. اینکه تعارض منافع چگونه عمل می‌کند و چه پیامدهایی برای سازمان در بر خواهد داشت. به‌علاوه شیوه‌های مدیریت تعارض منافع بخشی از این دوره آموزشی بود. در گام بعدی موقعیت‌های تعارض منافع شناسایی‌شده برای کارگروه ارائه شد و اعضای کارگروه در تعامل با کارشناسان مرکز موقعیت‌ها را تکمیل و تصحیح کردند. سپس با توجه به موقعیت‌های احصا شده در دو مرحله قبل، کارگروه موقعیت‌های دارای اولویت را شناسایی کرد.

پس از اولویت‌بندی موقعیت‌ها، عوامل تغییر هر یک از موقعیت‌های اولویت‌دار شناسایی شدند. در ادامه پیرامون هر یک از موقعیت‌ها

جلساتی اختصاصی با عواملان تغییر آن موقعیت و تسهیلگران مرکز تشکیل خواهد شد و طی جلسات متعدد سعی خواهد شد تا هر یک از موقعیت‌های تعارض منافع واکاوی و ریشه‌شناسی شوند و برای هر یک از آن‌ها راهکارهایی ارائه شود. این راهکارها یا بر اساس تدوین دستورالعمل مدیریت تعارض منافع خواهد بود یا اصلاح معماری سازمان و فرایندها در دستور کار قرار خواهد گرفت.





مقابله مسئله محور با فساد و تعارض منافع در سازمان امور مالیاتی

یکی از ارکان اساسی برای ادامه حیات و کارآمدی هر نظام سیاسی، کارآمدی اقتصادی است. می‌دانیم که یکی از منابع درآمدی دولت‌ها نیز منابع مالیاتی است که باید در جهت این کارآمدی هزینه شود. در صورتی که دستگاه متولی مالیات‌ستانی در یک نظام اقتصادی خود نتواند کارآمد باشد، اثرات گسترده‌ای از کاهش درآمدهای دولت گرفته تا فشار بر بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی خواهد داشت. موقعیت‌های تعارض منافع نیز از جمله مواردی هستند که می‌توانند منجر به فساد و ناکارآمدی در هر سازمانی شوند. از این رو، اهمیت بررسی و رفع موقعیت‌های اشاره شده برای سازمان پراهمیتی مانند سازمان امور مالیاتی کشور دو چندان می‌شود. این پژوهش در ابتدا با رویکرد مسئله‌محوری، فرایندهایی که مؤدیان برای پرداخت مالیات خود در سازمان امور مالیاتی طی می‌کنند را بررسی می‌کند. بعلاوه، فرایندهایی که این سازمان برای گسترش چتر مالیاتی خود در نظر گرفته است مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در ادامه با به دست آوردن نظام مسائل سازمان امور مالیاتی، موقعیت‌های تعارض منافع احصا خواهند شد و به این سازمان مشاوره و راهنمایی‌های لازم برای اصلاح این موقعیت‌ها انجام می‌گیرد.

وضعیت پیشرفت:

60%



شروع:

آبان‌ماه ۱۴۰۱

پایان پیش‌بینی شده:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

جامعه هدف:

فعالان اقتصادی اعم از حقیقی و

حقوقی (مؤدیان مالیاتی)

سازمان امور مالیاتی

نهادهای مخاطب:

سازمان امور مالیاتی

اقدامات و دستاوردها:

- بررسی و تحلیل آماری داده‌های مرتبط با مالیات سازمان امور مالیاتی و سایر پژوهش‌ها
- احصاء نسخه اولیه از نظام مسائل سازمان امور مالیاتی
- احصاء فرآیندهای مالیات‌ستانی
- بررسی ساختار نظام مالیاتی و مطالعه تطبیقی سایر کشورها

اقدامات و دستاوردهای آتی تا ۱۴۰۲:

- تکمیل نظام مسائل سازمان امور مالیاتی
- شناسایی علل و ریشه‌های مشکل منتخب
- ارائه راهکارهای پیشنهادی مبتنی بر آسیب‌شناسی نظام مسائل
- شناسایی مصادیق و اولویت‌بندی موقعیت‌های تعارض منافع در سازمان امور مالیاتی
- برگزاری جلسات ارائه راهکار برای مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع در سازمان امور مالیاتی
- تدوین دستورالعمل‌ها یا آیین‌نامه‌ها در صورت نیاز
- کاهش فساد در فرآیندهای مالیات‌ستانی
- افزایش درآمدهای دولت از محل مالیات و کاهش کسری بودجه
- کاهش فشار مالیاتی بر فعالان اقتصادی (حقیقی و حقوقی)

شرح:

جلوگیری از فساد یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های مردم از حکومت‌هاست. اهمیت این مسئله برای جوامع تا حدی است که علت برخی از انقلاب‌ها و تغییر حکومت‌ها را فساد موجود در حکومت پیشین معرفی می‌کنند. بدون شک یکی از عوامل اصلی ظهور فساد حادث شدن موقعیت‌های تعارض یا تضاد منافع است. براساس تجارب علمی و تجربی سایر کشورها، تعارض منافع ریشه‌ی بسیاری از ناکارآمدی‌ها، اختلال‌ها و اشکال متنوع فساد است که منجر به تضعیف ظرفیت اجرایی حاکمیت و تشدید فقر و نابرابری و بی‌اعتمادی مردم به نظام حاکم خواهد شد. بنابراین مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع از پیش‌شرط‌های اصلاح نظام حکمرانی، بازسازی و تقویت اعتماد و

رضایت عمومی است.

نهادهای بین‌المللی تعاریف مختلف، اما از منظر مفهومی یکسانی از تعارض منافع ارائه داده‌اند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) بیان می‌کند که تعارض منافع زمانی رخ می‌دهد که فرد یا شرکتی (خصوصی یا دولتی) در موقعیتی است که می‌تواند از شغل حرفه‌ای یا منصب حاکمیتی در جهت منافع خود یا شرکت (منظور شرکت خصوصی است که فرد در آن شاغل است) سوءاستفاده نماید. سازمان شفافیت بین‌الملل (TI) تعارض منافع را شرایطی می‌داند که در آن افراد یا نهادها (که می‌تواند دولت، رسانه، کسب‌وکار یا سازمان مدنی باشد) با انتخاب بین وظایف خود و منافع شخصی‌شان مواجه می‌شوند. در کتاب راهنمای اخلاق مجلس آمریکا، تعارض منافع به

معنای وضعیتی است که در آن، رفتار یک مقام رسمی در سمت رسمی فرد با امور اقتصادی خصوصی وی متعارض است و این نگرانی را ایجاد می‌کند که فرد به منظور حفظ منافع شخصی خود در معرض تضاد جانبدارانه قرار می‌گیرد.

با این تعاریف مشخص است که هرکس در هر موقعیت، منصب یا مسئولیتی باشد، امکان قرار گرفتن در موقعیت‌هایی را دارد که مجبور می‌شود بین نفع شخصی و نفع عمومی یکی را انتخاب کند. بنابراین باید سازوکارهایی برای مدیریت این نوع موقعیت‌ها ایجاد کرد. مدیران سازمان‌ها می‌توانند برای مدیریت تعارض منافع از راهبردها و سبک‌های مختلف استفاده کنند. بیشترین راهبردهای بکاررفته روش خوداظهاری یا تشریک مساعی مبتنی

بر اعتماد است اما، غالباً افرادی که با تعارض منافع مواجه می‌شوند، یا نمی‌دانند در موقعیت تعارض منافع قرار گرفته‌اند یا نمی‌توانند به درستی وضعیت موجود را مدیریت کنند. بنابراین، امروزه دیگر صرفاً بر این موضوع اتکا نمی‌شود که آیا مقامات خودشان به این نکته پی می‌برند که دچار تعارض منافع هستند یا خیر؛ بخش‌های مختلف، با برشمردن و بازشناسی موقعیت‌های تعارض منافع در درون مجموعه‌های خود، منتظر خوداظهاری‌های افراد باقی نمی‌مانند و هر جا بتوانند به طور عینی تشخیص دهند که فردی در موقعیت تعارض منافع قرار گرفته است، مطابق پروتکل‌های از پیش تعریف شده با موضوع برخورد می‌کنند. از این رو، در بسیاری از کشورها تلاش شده است تا ابتدا حوزه‌های مهم تعارض

منافع شناسایی شود و سپس نسبت به مدیریت تعارض‌های پیش‌آمده، اقدام کنند. مدیریت تعارض منافع یعنی مدیریتی که بتواند در شرایط تعارض به بهترین شکل سازمان را اداره و بین کارکنان و سازمان تعادل ایجاد کند و تعارض ایجاد شده را از بین ببرد. به طور کلی مدیریت تعارض، فرآیند تشخیص نقش مناسب تعارض در بین گروه‌ها و استفاده مناسب از فنون مربوطه برای برطرف کردن یا تحرک آن‌ها برای اثربخشی سازمانی است. با رجوع به ادبیات موجود به نظر می‌رسد مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع تنها با احصای این موقعیت‌ها امکان‌پذیر است. احصای این موقعیت‌ها می‌تواند در طی زمان با کشف یا پدید آمدن موقعیت‌های تعارض منافع جدیدی که تا پیش از

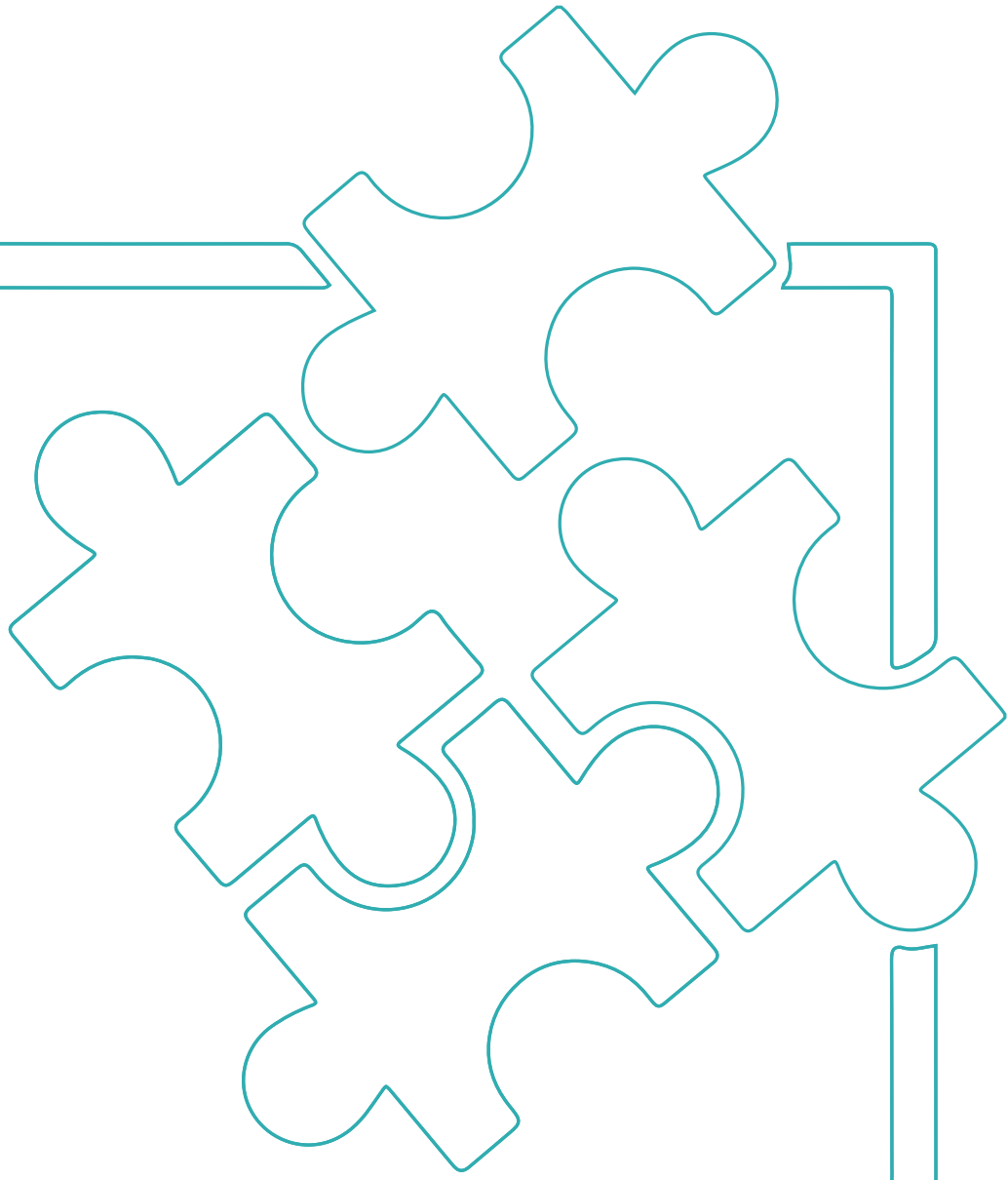
آن ساخته نشده بود تکمیل شود و یا هر سازمان (در غیاب قانون مادر تعارض منافع) مصادیق تعارض منافع را در لایه‌های نظام اداری خود شناسایی نماید. تعارض منافع آن قدر اهمیت دارد که رهبر معظم انقلاب در دیداری که به مناسبت هفته دولت با رئیس جمهور و اعضای دولت داشتند آنان را به حل موضوع تعارض منافع شخصی و عمومی در همه دستگاه‌ها فراخواندند. باید به این نکته توجه کرد که مصادیق تعارض منافع در لایه‌های زیرین نظام اداری در حوزه‌های مختلف متفاوت بوده و به بافت دیوان‌سالاری و بروکراتیک هر سازمان وابسته است. بنابراین با وجود نیاز کشور به یک قانون مادر جهت مدیریت تعارض منافع، همچنان برای بومی‌سازی و تطبیق این قانون

در هر سازمان یا وزارتخانه نیازمند شناسایی موقعیت‌های بالقوه تعارض منافع در هر سازمان هستیم. در لایحه «نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی» که دولت در آذرماه سال ۱۳۹۸ به مجلس تقدیم کرد به درستی به تشکیل هیئت‌های بدوی مدیریت تعارض منافع در ستاد و واحدهای استانی هر دستگاه تأکید شده تا به تعیین فهرست مصادیق تعارض منافع در دستگاه متبوع بپردازند. اقتصاد، حوزه‌ای موثر بر رفاه و رضایت زندگی روزانه مردم است. مقبولیت نظام نیز در گرو کارآمدی، از جمله کارآمدی اقتصادی آن است. این مهم از طریق کارآمدی دولت، به ویژه شرکت‌های دولتی، توسعه بخش خصوصی، سیاست‌های مالی، پولی، بانکی، ارزی و تجاری هوشمند

و سیاست‌های حمایتی، پی گرفته خواهد شد. وزارت امور اقتصادی و دارایی نقش اصلی را در این زمینه از طریق اصلاح مدیریت اقتصادی بخش عمومی، بهبود شاخص‌های اثربخشی دولت، بهبود کیفیت مقررات، تعمیق حاکمیت قانون و مبارزه با فساد به ویژه فساد مالی، بر عهده دارد. بنابراین ضروری است با شناسایی و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع در این سازمان، زمینه‌های بروز فساد را کاهش داد و بر کارآمدی این وزارت خانه افزود.

سازمان امور مالیاتی کشور نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین سازمان‌های دولتی در جهت تحقق مأموریت‌های آن که وصول کارا و عادلانه درآمدهای مالیاتی کشور است نیازمند شناسایی موقعیت‌های تعارض منافع در سازمان و حوزه مالیاتی است. از آنجایی که

نقش سازمان امور مالیاتی در نظارت مالی در کشور بسیار مهم است و با طیف وسیعی از مودیان خرد و کلان ارتباط دارد، مدیریت تعارض منافع که لازمه شفافیت و مقابله با فساد است در این سازمان بیش از سایر سازمان‌ها احساس می‌شود. این پژوهش سعی دارد تا در کنار مطالعه اسناد و پژوهش‌های صورت‌گرفته، از ظرفیت خبرگان حوزه مالیاتی و مجریان سازمان و مودیان برای تکمیل و گردآوری اطلاعات استفاده کند.



گروه بودجه و داشبوردهای رفاهی

« فلسفه وجودی گروه

گروه بودجه و داشبوردهای رفاهی با هدف افزایش شفافیت و رصدپذیری کارآمد بودجه شکل گرفت. سال‌هاست کشور با کسری بودجه بالا مواجه است و آثاری همچون افزایش ناپایداری مالی، تورم، نااطمینانی و کاهش رفاه به ویژه برای اقشار ضعیف را به همراه داشته است. همچنین بودجه‌های سنواتی با وجود این کسری‌ها در دستیابی به اهداف

تعریف شده خود چندان موفق نبودند. یکی از دلایل این امر را می‌توان بی‌انضباطی مالی و ناتوانی دولت در صرفه‌جویی هزینه‌ها دانست که در کنار وضع تحریم‌های ظالمانه و تحدید درآمدها، شرایط را سخت‌تر می‌کند. در چنین فضایی که افزایش درآمدها به سرعت ممکن نیست، کاهش هزینه‌ها اهمیت بیشتری می‌یابد. برای کاهش هزینه‌ها نیازمند افزایش شفافیت و رصدپذیری بودجه هستیم تا هزینه‌های غیرضروری را بکاهیم، سازمان‌ها را پاسخ‌گوتر کنیم و در یک کلام مدیریت مالیه عمومی را بهبود ببخشیم. برای رصد بهتر بودجه کاهش هزینه‌ها و اصابت دقیق آن به گروه‌های هدف به ابزارهای متعددی نظیر پیروی از

یک طبقه‌بندی و شناسه‌گذاری مناسب مانند نظام آمارهای مالی دولت (GFS) که از سوی صندوق بین‌المللی پول ارائه شده است، نیازمندیم. همچنین از آنجا که یکی از اهداف دولت‌ها افزایش رفاه اقتصادی شهروندان است و بودجه نیز سند تمام‌نمایی از نحوه اداره کشور است، جای خالی برخی از ابزارهای یاری‌رسان به سیاست‌گذار نظیر داشبوردهایی که به تلخیص و بررسی یارانه‌ها و خدمات نهادهای حمایتی که از بودجه استفاده می‌کنند می‌پردازند؛ خالی است. امید است با استفاده از پروژه‌های تعریف شده راه سیاست‌گذاری برای مدیریت بودجه به همراه افزایش رفاه شهروندان هموارتر شود.

پروژه‌های گروه

شناسه‌گذاری و طبقه‌بندی وظیفه‌ای بودجه کشور



داشبورد نهادهای حمایتی



داشبورد یارانه‌ها



داشبورد هزینه-درآمد خانوار



این پروژه با اصلاح طبقه‌بندی‌های بودجه به ویژه اصلاح طبقه‌بندی وظیفه‌ای (وظایف دولت یا COFOG) و شناسه‌گذاری آن منجر به بهبود در صد بودجه می‌شود؛ به خصوص اگر با طبقه‌بندی اقتصادی اصلاح شده بودجه تقاطع یابد. همچنین اصلاح وضعیت این طبقه‌بندی در بودجه امکان ایجاد سری زمانی برای مقایسه بودجه هر سال با سال‌های دیگر را با کنار گذاشتن تغییرات سازمانی در هر یک از امور و وظایف ممکن می‌کند و به دلیل بین‌المللی بودن آن امکان مقایسه بودجه کشور با سایر کشورها را در امور مختلف فراهم می‌کند.

وضعیت پیشرفت:

۱۰۰%



● شروع:

اسفندماه ۱۳۹۹

● پایان:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

جامعه هدف:

◀ دستگاه‌های اجرایی

◀ پژوهشگران

◀ سازمان برنامه و بودجه کشور

◀ سیاست‌گذاران اقتصادی

نهادهای مخاطب:

◀ سازمان برنامه و بودجه کشور

اقدامات و دستاوردها:

- بررسی امور، فصول و کلاس‌های بودجه کشورهای مختلف اروپایی
- بررسی راهنمای نظام آمارهای دولت ۲۰۱۴ و ترجمه فصل مخارج و هزینه‌های دولت
- بررسی و ترجمه گزارشات طبقه‌بندی وظایف دولت و مالیه عمومی و تهیه کتابچه آموزشی برای آشنایی با نظام آمارهای مالی دولت (GFS)
- تهیه گزارش و دستورالعمل طبقه‌بندی اولیه وظیفه‌ای و هزینه‌های اقتصادی برای بودجه
- تدوین گزارشات ابهامات موجود در طبقه‌بندی وظیفه‌ای و هزینه‌های اقتصادی برای بودجه
- با استفاده از این گزارشات و با

پیروی از بازطبقه‌بندی جدید امکان مقایسه هزینه‌کرد و مخارج بودجه با بودجه‌های بین‌المللی سایر کشورها به وجود آمده است.

پیروی از این شیوه طبقه‌بندی در کنار بازطبقه‌بندی هزینه‌های انجام شده سبب افزایش شفافیت بودجه می‌شود و مسیر را برای رصد بهتر بودجه هموار می‌کند؛ به خصوص اگر بین طبقه‌بندی وظایف دولت و طبقه‌بندی اقتصادی هزینه تقاطع‌گیری شود.

اقدامات و دستاوردهای آتی تا تیر

۱۴۰۲:

- در فاز جدید، جلسات تعاملی با سازمان‌هایی که فعالیت آن‌ها نیازمند ابهام زدایی است، به اتمام

خواهد رسید و ابهامات کار به جهت تدوین پیش‌نویس انجام می‌شود.

- روش‌های شناسه‌گذاری بودجه در ادبیات بین‌المللی بررسی می‌شود و توصیه‌ها و پیشنهاداتی در این زمینه برای رصد بهتر بودجه ارائه می‌شود.

- طبقه‌بندی جدید برای اجرا و اتصال به دیگر طبقه‌بندی‌های بودجه آماده خواهد شد تا شفافیت و ثبات کافی به بودجه ببخشد و با اتصال به شناسه‌های پرداخت بانکی رصد بودجه را ممکن کند. در صورت تعمیم طبقه‌بندی به دیگر سال‌ها امکان تهیه یک سری زمانی از بودجه فراهم می‌شود.

شرح:

بودجه به عنوان آینه تمام‌نمای نحوه اداره یک کشور اطلاعات مهمی را به آحاد جامعه اعم از شهروندان، پژوهشگران و سیاستگذاران بطور جامع و طبقه‌بندی شده ارائه می‌کند. بی‌تردید کیفیت اطلاعات ارائه شده به نحوه این طبقه‌بندی وابستگی بالایی دارد. انواع مختلفی از طبقه‌بندی بودجه وجود دارد و یکی از طبقه‌بندی‌هایی که در سطح جهانی کاربرد گسترده‌ای دارد طبقه‌بندی وظیفه‌ای (COFOG) بودجه است که بخشی از استاندارد نظام مالی دولت (GFS) را تشکیل می‌دهد. در این طبقه‌بندی برنامه‌های بودجه ذیل امور دهگانه خدمات عمومی، دفاع، نظم و امنیت عمومی، اقتصاد، حفاظت از محیط زیست، مسکن و تسهیلات شهری، سلامت، تفریح و فرهنگ و مذهب، آموزش

و حمایت اجتماعی و تحت فصول و حوزه‌های (کلاس) هر یک از این امور قرار می‌گیرند. این شیوه از طبقه‌بندی با تصریح میزان بودجه هزینه شده در هر یک از وظایف دولت که در قالب این امور دهگانه صورت‌بندی شده‌اند، مقایسه هزینه‌کرد کشورهای مختلف را در این زمینه ممکن می‌کند. همچنین به شفافیت بودجه می‌افزاید و امکان صرفه‌جویی بیشتر در هزینه‌های کشور و برنامه‌ریزی دقیق‌تر و صحیح‌تر را فراهم می‌کند. در ابتدای دهه ۸۰ شمسی تلاشی صورت گرفت که این طبقه‌بندی در نظام بودجه‌ریزی کشور بکار گرفته شود و از آن زمان این طبقه‌بندی به طور ناقص در بودجه‌های سنواتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در طبقه‌بندی وظیفه‌ای موجود گرچه برنامه‌ها و خروجی‌های بودجه ذیل امور دهگانه و فصول COFOG جا

گرفته‌اند، اما اولاً سطح حوزه (کلاس) که اطلاعات جزئی‌تری را جمع‌آوری و تولید می‌کند و به شفافیت بیشتری می‌انجامد در وضع فعلی استفاده نشده است و دوم این که تعداد و عناوین فصول در بسیاری موارد تفاوت زیادی با طبقه‌بندی استاندارد دارد. بخشی از این تفاوت ناشی از تغییرات سلیقه‌ای است که طی این دوره توسط ذی‌نفعان مختلف در این طبقه‌بندی ایجاد شده و آن را مخدوش کرده است. بنابراین نیاز به بازطبقه‌بندی وظیفه‌ای بودجه طبق استاندارد GFS۲۰۱۴ و بر اساس COFOG در کشور احساس می‌شود؛ چرا که تغییرات غیرنظام‌مند ساختار و طبقه‌بندی فعلی بودجه کشور امکان رصد بودجه و پایش اثربخشی سیاست‌های مالی دولت را دشوار ساخته است. کارشناسان مرکز توانمندسازی حاکمیت

و جامعه تلاش کردند با استفاده از تعاریف و توضیحات طبقه‌بندی COFOG در دستورالعمل GFS۲۰۱۴ برنامه‌ها و خروجی‌های ذکر شده در جدول قانون بودجه ۱۳۹۹ را ذیل استاندارد COFOG بازطبقه‌بندی کنند. بطور کلی کثرت برنامه‌ها و پراکندگی آن‌ها از یک سو و اطلاعات کم در مورد محتوای دقیق برخی برنامه‌ها و خروجی دستگاه‌ها از سوی دیگر و کلی بودن عناوین بسیاری از خروجی‌ها و برنامه‌ها فرآیند بازطبقه‌بندی را دشوارتر می‌سازد و بر حجم ابهامات و تردیدهای پیش روی کارشناسان افزوده است که در برخی موارد نیازمند مصاحبه با سازمانها است. برخی موارد هم به علت کم‌گویی و یا مرزی بودن وظایف دولت در امور مختلف به سختی طبقه‌بندی می‌شد که در فاز اول با نام‌نگاری صورت گرفته با

صندوق بین‌المللی پول و درخواست توضیحات بیشتر در حوزه‌های مذکور، رفع ابهام شد. لذا تکمیل طبقه‌بندی مذکور از طریق مصاحبه با سازمان‌ها اولویت اول فاز دوم است و پس از آن ارائه یک پیش‌نویس کامل از طبقه‌بندی بودجه و اصول کلی حاکم بر شناسه‌گذاری آن ممکن خواهد بود و این پیش‌نیاز لازم برای انجام اصلاحاتی است که پس از تایید، به کارگیری و حفظ ثبات آن امکان دستیابی به روند بودجه در سالهای مختلف و مقایسه بین‌زمانی و بین‌مکانی و بین‌المللی فراهم می‌شود و رصد بودجه هم دقیق‌تر خواهد شد، به خصوص اگر (در صورت وجود اطلاعات کافی) طبقه‌بندی‌های اقتصادی و وظیفه‌ای با یکدیگر تقاطع داده شوند. همچنین به درستی مشخص می‌شود که سیاستگذار و سازمان‌های مربوطه

در هر یک از امور و فصول و کلاس‌ها چقدر هزینه کرده‌اند و در این صورت اتخاذ تصمیم برای سیاستگذار راحت‌تر و پاسخ‌گویی هر یک از سازمان‌ها در آن زمینه بیشتر خواهد شد. برای نمونه مشخص می‌شود میزان بودجه صرف شده در حوزه بیکاری چقدر بوده است. همچنین اصول کلی شناسه‌گذاری و هماهنگی این شناسه‌گذاری با انواع شناسه‌های سازمانی و اقتصادی در گزارشی مجزا تهیه شده است. گزارشی دیگری نیز برای اصلاح طبقه‌بندی اقتصادی هزینه به همراه دستورالعمل آن تهیه شد تا در صورت وجود اطلاعات کافی امکان تقاطع‌گیری بین طبقه‌بندی‌های اقتصادی هزینه و وظایف دولت امکان‌پذیر باشد.



این پروژه با استخراج داده‌های بودجه و عملکرد برخی از نهادهای حمایتی منتخب (که داده‌های کافی از آنها موجود است) و بر اساس نقشه خدمات حمایتی و نهادهای ارائه‌دهنده این خدمات، حدود حمایت هر یک از نهادها و وضعیت خدمات‌دهی آنها را نمایش می‌دهد. همچنین میزان بهره‌مندی گروه‌های ذینفع را با دسته‌بندی‌های مختلف مشخص می‌کند. لذا منجر به تصمیم‌سازی بهتر برای سیاستگذار جهت اتخاذ تصمیمات حمایتی می‌شود. بدیهی است هر چه تعداد نهادهای حمایتی که در ارائه اطلاعات همکاری می‌کنند بیشتر شود و الزام به ارائه عملکرد آنها جهت تکمیل و تدقیق این دانشبورد فراهم شود، نتایج بهتری را شاهد خواهیم بود.

< وضعیت پیشرفت:

۳۰%



● شروع:

آذرماه ۱۴۰۱

● پایان پیش‌بینی شده:

تیرماه ۱۴۰۲

< جامعه هدف:

◀ نهادهای حمایتی

◀ مخاطبان نهادهای حمایتی

◀ پژوهشگران

◀ سیاستگذاران

< نهادهای مخاطب:

◀ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

اقدامات و دستاوردها:

- ◀ جمع‌آوری داده‌های عملکرد و بودجه دستگاه‌های منتخب (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ وزارت آموزش و پرورش؛ سازمان بهزیستی؛ بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ کمیته امداد امام خمینی(ره)، آموزش و پرورش کودکان استثنایی و معاونت امور زنان ریاست جمهوری)
- ◀ طبقه‌بندی داده‌های فوق، تعیین گروه‌های هدف، تعیین نوع خدمات بر اساس ESSPROS
- ◀ تهیه نسخه نمایشی (دمو) داشبورد اولیه بر اساس داده‌های موجود
- ◀ مقایسه خدمات ارائه شده و گروه‌های دریافت‌کننده خدمات بین این سازمان‌ها با توجه به داده‌های موجود.

اقدامات و دستاوردهای آتی تا تیر ۱۴۰۲:

- ◀ به داش‌بوردی جهت رصد عملکرد نهادهای حمایتی می‌رسیم که می‌تواند انواع خدمات و هزینه‌های صورت گرفته برای گروه‌های مختلف را در مهمترین دستگاه‌های دریافت‌کننده بودجه عمومی به ما نمایش دهد و محدوده خدمات و هزینه کرد آن‌ها را نسبت به GNP و دیگر شاخص‌ها در مقایسه با دیگر کشورها و یا نسبت به یکدیگر بسنجد.

◀ شرح:

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شعارهای زیادی در مورد رفع فقر، محرومیت زدایی و رسیدگی به مستضعفان و اقشار ضعیف جامعه داده شده بود. پس از پیروزی انقلاب و با توجه به آرمان‌های مطرح شده وقت آن رسیده بود که به این شعارها جامه عمل پوشانده شود. لذا از همان ابتدا به مرور زمان نهادهای محرومیت‌زدا و حمایتی مختلف در کشور ایجاد شد.

نهادهای حمایتی زیادی در کشور وجود دارند که به برخی از آنها در بودجه کشور ردیف اعتبارات اختصاص داده شده است و برخی دیگر یا سازمان مردم‌نهاد هستند و یا از نهادهای محرومیت‌زدایی هستند که از بودجه کشور استفاده نمی‌کنند؛ برای مثال نهادهای زیر نظر نهاد رهبری که به محرومیت‌زدایی مشغول هستند. برخی از این نهادها دارای وظایف و گروه‌های هدف مشابه هستند و بعضاً بین برخی از آنها موازی کاری‌هایی دیده می‌شود. علاوه

بر نهادهای گروه‌های هدف و انواع خدمات نیز گسترده هستند. تعدد آنها لزوم داشتن نقشه نهادها و خدمات حمایتی را مطرح می‌کند که در مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه بررسی شده است. بر اساس آن لازم است یک داش‌بورد حمایتی فراهم شود که مبلغ هزینه شده برای هر نوع خدمت، گروه هدف و برنامه حمایتی توسط دستگاه‌ها و نهادهای حمایتی مشخص شود. در همین راستا با توجه به داده‌های موجود و اهمیت نهادها، مبالغ بودجه

و عملکرد ۸ دستگاه کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت زنان نهاد ریاست جمهوری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی و وزارت آموزش و پرورش تا جای ممکن گردآوری و طبقه‌بندی شده است تا مشخص شود به هر یک از گروه‌های هدف مانند، زنان سرپرست خانوار، بیکاران، معلولان، سالمندان، ایثارگران، کودکان،

دانش‌آموزان و دانشجویان و دیگر گروه‌ها از طریق چه سازمان‌هایی و در قالب چه برنامه‌هایی، چه نوع خدماتی و به چه مقدار تخصیص داده شده است. همچنین این داده‌ها بر اساس کارکردها و نوع خدمات ارائه شده طبق نظام سامانه جامع اروپایی حمایت اجتماعی (ESSPROS) طبقه‌بندی می‌شود که یک سیستم بین‌المللی است و امکان مقایسه‌های بین‌المللی را نیز فراهم می‌آورد.

با داشتن اطلاعات فوق و تکمیل آن می‌توان سیاست‌گذاری را بهبود بخشید. چون می‌توان کلیه خدمات همسان در هر حوزه و با گروه هدف‌های مشابه را به طور یکجا برای سازمان‌های اصلی محاسبه و مشاهده کرد و سهم هر دستگاه را مشخص کرد. می‌توان با توجه به اқشار هدف هر سازمان بودجه را به دستگاه‌ها اختصاص داد، در بودجه صرفه‌جویی کرد یا ارائه خدمات به گروه خاصی را به آنها سپرد.



این پروژه داده‌های مرتبط با برنامه‌ها و خروجی‌های بودجه عمومی و عملکرد آن را در امور رفاه اجتماعی، آموزش و سلامت به همراه دیگر مواردی که یارانه به حساب آورده می‌شدند، استخراج کرده است و در یک داشبورد گرد هم آورده است. مواردی نظیر معافیت‌ها، تسهیلات ارزان قیمت، کمک‌ها، دیگر خدماتی که با قیمت بالاتر و با کیفیتی مشابه توسط بخش خصوصی ارائه می‌شوند و غیره را در بر می‌گیرد. در این حالت تصویری کلی از کلیه خدمات بودجه عمومی که به صورت یارانه به نهادها و یارانه به افراد (مزایای اجتماعی) و پرداخت‌هایی از این دست انجام می‌شود را به ما می‌دهد. لذا این داشبورد می‌تواند به دولت نشان دهد که تا چه حد حاضر است با افزایش کسری بودجه، آن خدمات را همچنان به صورت دولتی و با همان سبک و سیاق ارائه دهد.

وضعیت پیشرفت:

۵۰%



شروع:

آذرماه ۱۴۰۱

پایان پیش‌بینی شده:

خردادماه ۱۴۰۲

جامعه هدف:

پژوهشگران

سیاست‌گذاران

نهادهای مخاطب:

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

اقدامات و دستاوردها:

- گردآوری داده‌های مرتبط با برنامه‌ها و خروجی‌های بودجه عمومی و عملکرد سال ۱۴۰۰ در امور رفاه اجتماعی، آموزش و سلامت و سایر امور و نیز داده‌های تبصره ۱۴
- مشخص کردن شاخص‌های کلیدی و جمع‌بندی روی تعاریف مفاهیم
- دسته‌بندی داده‌ها به لحاظ COFOG، دسته‌بندی و مشخص کردن گروه‌های هدف
- شناسایی تسهیلات تکلیفی و جمع‌آوری داده‌های آنها از گزارشات تفریغ بودجه
- ساخت داشبورد اولیه
- ارائه به متخصصین برای توسعه و بهبود نسخه اولیه
- محاسبه سهم هزینه‌های جاری در امور و فصول مختلف بودجه ۱۴۰۰
- محاسبه یارانه‌های پرداختی به نهادها و افراد و خانوار در بودجه ۱۴۰۰ با تمرکز بیشتر بر برندهای حمایتی، آموزشی و بهداشتی و درمانی

اقدامات و دستاوردهای آتی تا تیر ۱۴۰۲:

- به داشبوردی برای رصد یارانه‌ها و هزینه‌های جاری مرتبط با رفاه مردم دست پیدا می‌کنیم که وضعیت کلی بودجه چند سال را به تفکیک امور، فصول، بودجه‌های عمومی و اختصاصی مشخص و شفاف می‌کند و با نمایش مهمترین گروه‌های هدف بودجه می‌تواند دست سیاست‌گذار را برای اتخاذ تصمیمات بهتر باز کند. همچنین این داشبورد چون اطلاعات زیادی را در حوزه‌های گسترده‌ای در بر دارد، قابلیت اتصال به دیگر داشبوردها و اضافه کردن شاخص‌های مرتبط بیشتر به هر حوزه را دارد.

◀ شرح:

بخش زیادی از بودجه کشور به انواعی از پرداخت‌های حمایتی نظیر یارانه به افراد و نهادها و پرداخت‌هایی از این دست اختصاص می‌یابد. این پروژه داده‌های مرتبط با برنامه‌ها و خروجی‌های بودجه عمومی (اعم از ردیف‌های عمومی و متفرقه، تبصره ۱۴) و عملکرد سال ۱۴۰۰ در امور رفاه اجتماعی، آموزش و سلامت و دیگر امور را که می‌توانند یارانه قلمداد شوند، در یک داشبورد استخراج

کرده است. مواردی نظیر معافیت‌ها، خریدهای تضمینی با قیمت بالاتر از بازار، تسهیلات ارزان قیمت، کمک‌ها، دیگر خدماتی که با قیمت بالاتر و با کیفیتی مشابه توسط بخش خصوصی ارائه می‌شوند و غیره را در بر می‌گیرد. اکثر این اطلاعات از پیوست ۴ بودجه استخراج شده‌اند و مابقی از گزارشات تفریغ، ماده‌واحد و دیگر جداول کلان بودجه به دست آمدند. همچنین داده‌های مذکور بر اساس

سازمان‌های ارائه دهنده کالا و خدمات و گروه‌های هدف بر اساس طبقه‌بندی وظیفه‌ای (وظایف دولت) طبقه‌بندی می‌شود. یارانه به نهادها به عنوان پرداختی توسط دولت به نهادهای تولیدکننده به ازای کالاها و خدماتی که صادر، وارد یا تولید می‌کنند و به فروش می‌رسانند یا می‌خرند، معرفی می‌شود و یارانه پرداختی به افراد به عنوان پرداخت دولت برای پوشش یک ریسک (نظیر بیماری، سالمندی، بیکاری، از

کار افتادگی و معلولیت و غیره) به مصرف‌کننده نهایی در نظر گرفته می‌شود.

برخی از خدمات فوق‌هزینه‌های بهداشتی، درمانی و یا آموزشی هستند که با پیشرفت تکنولوژی با هزینه‌های به مراتب کمتری نسبت به گذشته استثنای پذیر شده‌اند و توسط بخش خصوصی ارائه می‌شوند اما دولت‌ها به علت اثرات خارجی بالای آنها و شکست بازار حاضر به تولید و ارائه این خدمات هستند

تا مقدار آن به سطح مطلوبی که انتظار دارند، برسد. لذا این داش‌بورد می‌تواند به دولت نشان دهد تا چه حد حاضر است با افزایش کسری بودجه، آن خدمات را همچنان به صورت دولتی و با همان سبک و سیاق ارائه دهد و آیا این امکان وجود دارد که در این حوزه به برخی خدمات بیش از گذشته و به برخی کمتر از قبل پرداخته شود. همچنین این داش‌بورد قادر خواهد بود تصویر کلی تغییرات هزینه‌ها و یارانه‌های

دولت را در طول زمان نمایان کند. حسن این داش‌بورد این است که در هر یک از امور و در کل بودجه، خدمات و برنامه‌ها و خروجی‌ها، نهادها و اقشار و گروه‌هایی که بیشترین و کمترین توجه و هزینه سیاستگذار را به خود اختصاص می‌دهند، مشخص می‌شود و مجموع کلی یارانه‌های بودجه عمومی و یا موارد قابل احتساب به یارانه به صورت حدودی مشخص می‌شود.



داشبورد هزینه-درآمد خانوار

این پروژه با هدف افزایش دسترسی پذیری به داده‌های هزینه-درآمد خانوار و محاسبه سریع و آسان شاخص‌های مهم آن مانند هزینه‌ها و مصارف سرانه، بر حسب هر دهک یا نرخ رشد آنها، خط فقر، ضریب جینی، شاخص تایل، شاخص رفاه سن و ... برای سال‌های ۱۳۶۳ تاکنون طراحی شده است تا توانایی و سرعت پژوهشگران را برای آماده‌سازی گزارشات تحلیلی دقیق و سریع یاری دهد و از این شاهره به اتخاذ تصمیمات مختلف کمک کند و اثر هر یک از اقدامات احتمالی خود را بر شاخص‌های درآمدی، هزینه‌ای، رفاهی و غیره ببینند.

< وضعیت پیشرفت:

۱۰%



• شروع:

دی‌ماه ۱۴۰۱

• پایان پیش‌بینی شده:

تیرماه ۱۴۰۲

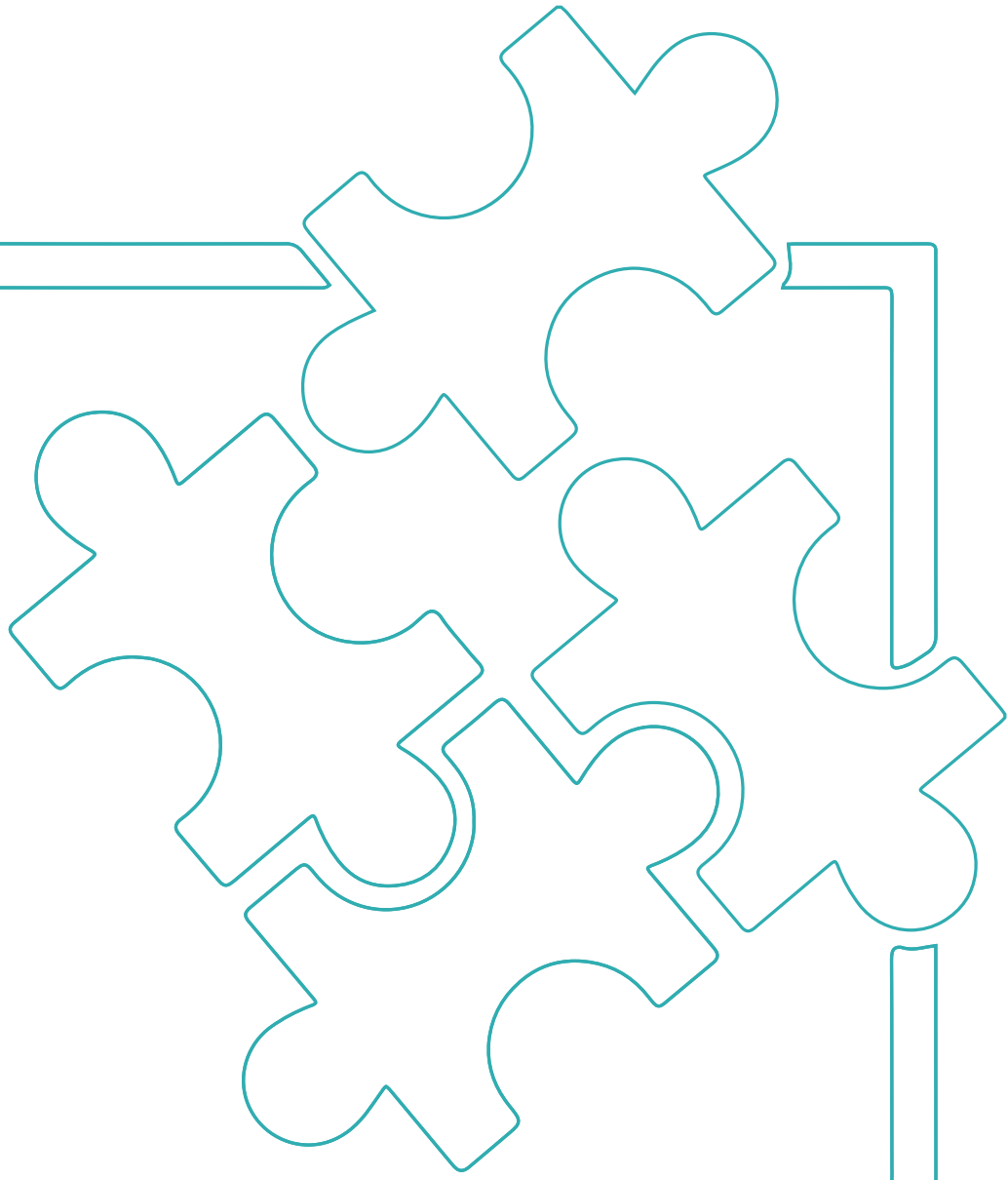
< اقدامات و دستاوردها:

◀ مصاحبه با متخصصین باسابقه انجام پروژه‌های مشابه

◀ تعیین شاخص‌های اولیه

< اقدامات و دستاوردهای آتی تا تیر ۱۴۰۲:

◀ دستیابی به داشبوردی با دسترسی‌پذیری بالا که مهمترین شاخص‌های حوزه رفاهی و هزینه و درآمد خانوار را از سال ۱۳۶۳ تا ۱۴۰۰ محاسبه می‌کند.



شرح:

داده‌های هزینه-درآمد خانوار از سال ۱۳۶۳ تا ۱۴۰۰ در درگاه اصلی مرکز آمار موجود است اما این داده‌ها به دلیل نوع فرمت آنها قابلیت دسترسی مناسبی را برای دانشجویان و پژوهشگران ندارند. به علاوه تعداد زیادی شاخص با شرایط مختلف و بسته به نیاز هر پژوهشگر، با بررسی این داده‌ها قابل محاسبه است. مهمترین شاخص‌های داخلی، ترکیبی و بین‌المللی قابل محاسبه و ارائه برای این داشبورد عبارتند از:

- ۱- هزینه‌ها و درآمد کل خانوار، هزینه‌ها و درآمدهای سرانه و به تفکیک هر دهک و به تفکیک شهری و روستایی و استان‌ها
- ۲- هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی به تفکیک مصارف مهم مانند مصرف گوشت قرمز، گوشت مرغ، تخم‌مرغ، لبنیات و روغن
- ۳- انواع هزینه‌های غیرخوراکی و سهم هزینه‌های غیرخوراکی از کل هزینه‌ها (مهمترین اقلام غیرخوراکی شامل مسکن، پوشاک، انرژی، تفریح و سرگرمی، آموزش، سلامت و بهداشت، حمل و نقل و ارتباطات است).
- ۴- ضریب جینی
- ۵- نرخ فقر سرانه
- ۶- نسبت هزینه ۱۰ درصد یا ۲۰ درصد از ثروتمندترین به فقیرترین جمعیت
- ۷- نرخ فقر (نسبت جمعیت زیر خط فقر به کل جمعیت)
- ۸- نرخ فقر کودکان
- ۹- خط فقر مطلق و خط فقر نسبی
- ۱۰- شاخص نسبت سرشمار فقر
- ۱۱- منحنی لورنز
- ۱۲- شکاف درآمدی
- ۱۳- ضریب آتکینسون
- ۱۴- ضریب تایل
- ۱۵- نرخ فقر چندبعدی
- ۱۶- شاخص رفاه سن
- ۱۷- نسبت پراکندگی و ...



محاسبه این شاخص‌های مهم و ترکیب آنها با انواعی از داشبوردها و متغیرهای اقتصادی می‌تواند توانایی و سرعت پژوهشگران را برای آماده‌سازی گزارشات تحلیلی دقیق و سریع افزایش دهد و از این طریق سیاستگذار را یاری دهد تا اثرات سیاست‌های مختلف را بر شاخص‌های درآمدی، هزینه‌ای، رفاهی و غیره ببیند و گام برداشتن در مسیر کاهش فقر و شکاف طبقاتی تسهیل شود.

به علاوه مشاهده روند این شاخص‌ها در طی سال‌های مورد بررسی وضعیت تغییرات رفاه، فقر و ... را با انواع شاخص‌ها و با تعاریف گوناگون ممکن می‌کند.

گروه بازار کار

«فلسفه وجودی گروه»

از جمله عواملی که در حوزه فقر و آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان پیش‌ران این حوزه برشمرده می‌شود، عدم اشتغال این افراد است. در نتیجه، داشتن شغل مناسب برای این افراد می‌تواند بسیاری از آسیب‌هایی که امروزه برای

آنها وجود دارد را برطرف سازد اما در حوزه اشتغال چالش‌هایی جدی وجود دارد که دسترسی به شغل مناسب را با دشواری همراه ساخته است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به دشواری‌های محیط کسب‌وکار، اطلاعات نامتقارن در بازار کار بین همه ذی‌نفعان و بازیگران از جمله کارفرماها، افراد جویای کار و

نهادهای فعال در حوزه بازار کار و بهم‌رسانی ضعیف و ناقص در این بازار اشاره کرد. گروه بازار کار تلاش دارد تا با بررسی ریزساختارهای این حوزه، بتواند تصویر درستی از نظام مسائل آن ترسیم کند و در ادامه با آسیب‌شناسی و ارائه راه‌حل بتواند اصطکاکات و مشکلات بازار کار را کاهش دهد.

پروژه‌های گروه



آسیب‌شناسی نظام
تسهیلات‌دهی اشتغال‌زایی
در کشور با محوریت بهبود
سازوکار تبصره ۱۸ قانون
بودجه



پوشش ناکافی بیمه‌های
اجتماعی با محوریت بیمه
بازنشستگی

آسیب‌شناسی نظام تسهیلات‌دهی اشتغال‌زایی در کشور با محوریت بهبود سازوکار تبصره ۱۸ قانون بودجه



در بودجه سنواتی دولت منابعی را برای تولید و اشتغال‌زایی در نظر می‌گیرد که در تبصره ۱۸ قانون بودجه درج می‌شود. شبکه بانکی با افزودن منابع خود به منابع دولتی، از طریق دستگاه‌های اجرایی (برای مثال وزارتخانه‌ها) و نهادهای عمومی غیردولتی (کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد برکت و بنیاد علوی) به افراد و یا بنگاه‌ها تسهیلات اعطا می‌کند. با گذر زمان و با دریافت بازخورد ضمنی از نحوه اجرا، مجریان و سیاست‌گذاران به صورت شفاهی نظرات خود را در مورد نقاط آسیب و چالش‌های آن بیان کرده‌اند و کمابیش هم در آیین‌نامه‌های اجرایی این تبصره این نکات اعمال شده است. با این وجود، آسیب‌شناسی جامعی به صورت مکتوب تهیه نشده است. این پروژه با جمع‌آوری تجربیات افراد مختلف و با در نظر گرفتن مطالعات تجربی به دنبال دستیابی به راه‌حلی بهینه برای تهیه آیین‌نامه اجرایی این تبصره است.

وضعیت پیشرفت:

۸۰%



• شروع:

دی‌ماه ۱۴۰۱

• پایان پیش‌بینی شده:

فروردین‌ماه ۱۴۰۲

جامعه هدف:

دستگاه‌های اجرایی

(در سطح سیاست‌گذاری)

مجریان طرح

متقاضیان دریافت تسهیلات

اشتغال‌زایی

نهادهای مخاطب:

معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

وزارت امور اقتصادی و دارایی

◀ اقدامات و دستاوردها:

- ◀ انجام بیش از ۳۰ مصاحبه با خبرگان و نخبگان در حوزه تسهیلات‌دهی و اشتغال‌زایی
- ◀ آسیب‌شناسی حوزه تقنینی و اجرایی تبصره ۱۸ قانون بودجه سنواتی
- ◀ تهیه ماتریس آسیب‌شناسی تبصره ۱۸ قانون بودجه
- ◀ مطالعه و بررسی روش‌های تأمین مالی بنگاه‌ها
- ◀ مطالعه و بررسی سازوکارهای شناسایی گروه‌های هدف در اعطای تسهیلات، سازوکارهای بازپرداخت و ارزیابی و پایش تسهیلات اعطا شده
- ◀ مطالعه و بررسی شاخص‌های اولویت‌دهی به بنگاه‌ها
- ◀ مطالعه و بررسی تجربیات کشورهای کره جنوبی، ترکیه و بنگلادش در حمایت از بنگاه‌های عمدتاً کوچک و متوسط
- ◀ ارائه چهارچوب راهکارهای بهبود تبصره ۱۸ قانون بودجه

◀ اقدامات و دستاوردهای آتی تا تیر ۱۴۰۲:

- ◀ بهبود فرایندهای دریافت تسهیلات اشتغال‌زایی
- ◀ کاهش هدررفت منابع دولتی در اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت
- ◀ بهبود اثربخشی تسهیلات اشتغال‌زایی
- ◀ تهیه پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱۸ قانون بودجه

شرح:

اشتغال از جمله مسائلی است که فارغ از مباحث مرتبط با درآمد، بر موضوعات اجتماعی نیز اثرگذاری جدی دارد. از این رو، در اختیار داشتن سازوکاری که بتواند برای اشتغال‌زایی از ظرفیت‌های موجود حداکثر بهره‌برداری داشته باشد، ضرورت دارد. روش‌های مختلفی در دنیا برای اثرگذاری بر اشتغال افراد و با توابع هدف متفاوتی به کار می‌رود. با وجود اینکه در ایران طرح‌های متنوعی برای اشتغال‌زایی

طراحی و اجرا شده اما محوریت آن‌ها بر اعطای تسهیلات برای دستیابی به اهداف مدنظر بوده است. از یک طرف، ابعاد و ابزارهای مختلف طرح‌های اشتغال‌زایی که در دیگر کشورها استفاده می‌شود، مغفول مانده است. از طرف دیگر نیز اعطای تسهیلات طبق برآوردها و آمارهای اعلام شده، بعضاً کیفیت لازم را ندارند و در برخی موارد منجر به تخصیص نابهینه و اختلال در اقتصاد شده‌اند. از جمله عوامل ایجاد پیامدهای

فوق‌الذکر ضعف در اولویت‌دهی تخصیص تسهیلات است. با وجود اینکه برخی از مناطق کشور آمار بیکاری بالا و مشارکت اقتصادی پایینی دارند، دو مشکل مشاهده می‌شود؛ یا این تسهیلات دچار انحراف منابع شده‌اند یا نتوانسته است دریافت‌کنندگان را توانمند سازد تا به مشاغل و یا مهارت‌هایی جهت کسب شغل پایدار دست یابند. از سمت دیگر، محدودیت منابع در کشور عاملی تعیین‌کننده است تا سیاست‌گذار نتواند با

انتخاب‌های متعدد و متنوع همه اهداف مدنظر خود را پیگیری کند؛ لذا به ناچار می‌بایست از بین گزینه‌های ممکن دست به انتخاب بزند.

عامل دیگر که آسیبی دیرینه در سیاست‌گذاری اشتغال‌زایی در کشور است، انتخاب ساده‌ترین راه توسط سیاست‌گذاران و مجریان برای اثربخشی در بازار کار است. در دولت‌های مختلف، عموماً سعی بر اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت (نسبت به وام‌های متعارف شبکه

بانکی) بوده است و کمتر به معضلات ریشه‌ای مانند بهبود فضای کسب‌وکار و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد کلان، بهبود بهمرسانی افراد جویای کار و کارفرماها، بهبود بازار مهارت و ... پرداخته شده است. این مسأله البته دلایل مختلفی دارد که پیامد آن کم‌توجهی به سایر روش‌های اشتغال‌زایی در کشور و کاهش اثربخشی دولت در این حوزه بوده است.

همانطور که اشاره شد، با وجود اینکه اعطای تسهیلات (به‌ویژه از سال ۱۳۹۶

تاکنون) مهم‌ترین ابزار دولت‌ها در حوزه اشتغال‌زایی بوده است؛ اما آسیب‌شناسی جامعی پیرامون تبصره ۱۸ قانون بودجه به‌عنوان یک ابزار مهم در اجرای سیاست‌های اشتغال‌زایی در کشور، صورت نگرفته است. این پژوهش سعی دارد در کنار بررسی آسیب‌های مختلف این تبصره، ابتدا به بهینه‌سازی وضع موجود بپردازد و سپس به چهارچوبی کلان برای بهبود اشتغال‌زایی در کشور دست یابد.



پوشش ناکافی بیمه‌های اجتماعی با محوریت بیمه بازنشستگی

با توجه به آنکه طبق آمارهای گوناگون نهادهایی همچون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مرکز آمار ایران و صندوق‌های بیمه‌ای، حدود ۲۵ تا ۵۰ درصد نیروی کار کشور فاقد برخورداری از هرگونه بیمه هستند، این پروژه در پی شناسایی علل این امر و ارائه راهکارهایی جهت بهبود وضعیت موجود است. این موضوع از این لحاظ اهمیت دارد که گسترش پوشش بیمه‌های اجتماعی می‌تواند مانع آسیب دیدن اقشار گوناگون در مقابل مخاطرات می‌شود و هزینه‌های رفاهی جبرانی دولت را کاهش دهد. به عبارت دیگر، در دهه‌های آتی که این قشر از جامعه وارد دوره سالمندی خود می‌شوند، در صورت نداشتن بیمه بازنشستگی علاوه بر قرار گرفتن در دهک‌های پایین درآمدی، هزینه‌های رفاهی بیشتری را به دولت (با توجه به هرم جمعیتی) تحمیل خواهند کرد. علاوه بر موارد بیان شده، بیمه‌ها سازوکاری مطمئن برای کاهش نیروی کار غیررسمی هستند که می‌توانند به ثبات بیشتر بازار کار نیز کمک کنند.

< وضعیت پیشرفت:

۵۰%



• شروع:

تیرماه ۱۴۰۱

• پایان پیش‌بینی شده:

خردادماه ۱۴۰۲

< جامعه هدف:

گروه اصلی هدف شامل شاغلین فاقد بیمه در همه بخش‌های شغلی (خصوصی-عمومی، آزاد-مزد و حقوق‌بگیر) است.

< نهادهای مخاطب:

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
سازمان تأمین اجتماعی

اقدامات و دستاوردها:

- بررسی و تحلیل آماری داده‌های سازمان تامین اجتماعی در حوزه بیمه‌های اجتماعی فراگیر
- بررسی و تحلیل آماری داده‌های طرح نیروی کار مرکز آمار در حوزه بیمه‌های اجتماعی فراگیر
- بررسی و تحلیل آماری داده‌های هزینه-درآمد خانوار مرکز آمار با محوریت احصا وضعیت بازنشستگان و افراد بدون بیمه بازنشستگی
- جمع‌آوری، مطالعه و بررسی قوانین مربوطه شامل قانون اساسی، قانون کار، قانون تامین اجتماعی، قانون ساختار نظام جامع رفاه، قوانین برنامه‌های توسعه، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه و برخی دستورالعمل‌های اجرایی سازمان تامین اجتماعی

اقدامات و دستاوردهای آتی تا ۱۴۰۲:

- بررسی تجربیات کشورهای مختلف در اجرای بیمه‌های فراگیر اجباری
- امکان‌سنجی حقوقی بیمه فراگیر اجباری در ایران
- تهیه معیارهای مهم برای اجرایی‌سازی بیمه اجباری فراگیر در ایران
- امکان‌سنجی اجتماعی-اقتصادی بیمه فراگیر اجباری در ایران
- امکان افزایش پوشش بیمه‌ای در کشور (در صورت اجرای طرح)
- امکان کاهش فقر سالمندان در دهه‌های آینده به دلیل پوشش بیمه بازنشستگی (در صورت اجرای طرح)

◀ شرح:

بیمه به عنوان بخشی از نظام رفاهی یکی از سازوکارهای اطمینان از محافظت شهروندان در مقابل مخاطرات است. مزیت بیمه در مقابل سایر سیاست‌های حمایتی حضور و نقش ذی‌نفعان در تأمین مالی آن است که سبب کاهش بار مالی دولت می‌شود. همچنین به علت تأمین مالی بخشی از هزینه‌ها از سوی ذینفعان، این سیستم می‌تواند به احساس امنیت اجتماعی بیشتر

شهروندان در مقابل مخاطرات شود. آمارهای متفاوتی از پوشش بیمه‌ای در ایران وجود دارد. بر اساس آمار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی حدود ۷۵ درصد شاغلین کشور از مزایای بیمه‌ای به‌نحوی برخوردار بوده و ۲۵ درصد محروم از آن هستند. در همین حال، بر طبق داده‌های طرح نیروی کار مرکز آمار ایران حدود ۵۰ درصد نیروی کار کشور از این مزایا برخوردار هستند. داده‌های پایگاه رفاه ایرانیان نیز نشان می‌دهد که ۵۲ درصد خانوارهای کشور از هیچ بیمه‌ای

برخوردار نیستند. علی‌رغم تمامی این تفاوت‌ها می‌توان این‌گونه گفت که بین ۲۵ تا ۵۰ درصد نیروی کار ایران بدون هیچ‌گونه پشتوانه‌ای در مقابل مخاطرات به فعالیت مشغول هستند.

وجود چنین حجم عظیمی از نیروی کار فاقد بیمه سبب آن می‌شود که هم شهروندان در مقابل مواردی همچون بیکاری، بازنشستگی، بیماری و... از توان کافی برخوردار نباشند و به ورطه فقر سقوط کنند و هم بار مالی دولت در بخش‌های حمایتی افزایشی

چشمگیر یابد. از این رو این پروژه به دنبال یافتن علل این وضعیت و ارائه راهکارهایی جهت برون‌رفت از آن است.

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، نیروی کار بدون بیمه در هر دو بخش مزد و حقوق‌بگیری (طبق قانون اجبار به بیمه شدن) و مشاغل آزاد (طبق قانون مختار به بیمه شدن) وجود دارد. در این میان، دو بخش مزدبگیران بخش خصوصی و کارکنان مستقل که بیشترین حجم نیروی کار (۷۰ درصد) را تشکیل می‌دهند از کمترین

میزان بیمه‌پردازی برخوردارند. دلایل عدم بیمه بودن این دو گروه متفاوت است؛ به عنوان نمونه در مورد مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی می‌توان به مواردی مانند فشار مالی بر کارفرمایان، فرایند پیچیده و سخت بیمه، نظارت نامناسب نهادهای ناظر بیمه‌ای و گسترش گریز بیمه‌ای و... اشاره کرد. در مورد کارکنان مستقل نیز می‌توان به مواردی مانند درآمد پایین، عدم آینده‌نگری، عدم جذابیت خدمات بیمه‌ای و عدم آینده‌نگری شاغلین

و... اشاره داشت.

در این پروژه تاکنون براساس مصاحبه با کارشناسان و مطالعه منابع پژوهشی، دلایل متنوعی برای عدم برخورداری از بیمه احصا شده است که برخی از آن‌ها از لحاظ آماری مورد بررسی و صحت‌سنجی قرار گرفته و این بخش همچنان در حال تکمیل شدن است. همچنین راهکارهای پیشنهادی نیز در این مرحله به صورت اولیه مشخص شده و نیازمند تدقیق و تکمیل هستند.

گروه مسائل اجتماعی

«فلسفه وجودی گروه»

بحث فقر و رفاه یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌هایی است که معاونت رفاه و هم‌چنین مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه بر روی آن متمرکز شده است. هم‌چنین پیرو آن مسائل اجتماعی‌ای که در پیوند با مسأله فقر و رفاه شکل می‌گیرند از موضوعات محوری این مرکز قرار گرفته است. در حقیقت مقصود اصلی این گروه را می‌توان توجه به وجوه اجتماعی مسائلی دانست که افراد در طبقات ضعیف و فرودست با آن درگیر هستند؛ مسائلی که

اگرچه نمود مستقیم فقر نیست اما وجوهی است که با فقر و نابرابری پیوند می‌خورد. این گروه در تلاش است تا از تقلیل صرف اقتصادی به مسائلی که با فقر، نابرابری و رفاه پیوند خورده است اجتناب کند. تشخیص اینکه چه معضلاتی را می‌توان مسائل اجتماعی نام برد دشوار است و نمی‌توان به سادگی آن‌ها را تفکیک کرد و به صورت متمایز مورد بررسی قرار داد. به طور رایج‌دفا تر آسیب اجتماعی معاونت رفاه و وزارت کشور عمدتاً مسائلی از قبیل اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی (اسکان غیررسمی)، خشونت‌های خانوادگی و کار کودک را از جمله مسائل اجتماعی حائز اهمیت در نظر می‌گیرند و به آن‌ها می‌پردازند. با این وجود می‌توان از ده‌ها مسأله اجتماعی دیگر نیز نام برد که در

نسبت با فقر و بازتوزیع نادرست و غیرعادلانه منابع جامعه را درگیر می‌کند و در این لیست قرار ندارد. احساس تبعیض و نابرابری، طرد اجتماعی، هویت‌های غیررسمی، و به طور کلی‌تر زیست غیررسمی، مشارکت اجتماعی پایین، ضعف در انسجام اجتماعی و معضل هویت‌یابی‌های اجتماعی و محلی از جمله مسائل اجتماعی است که در پیوند با فقر و رفاه مطرح می‌شوند و ممکن است به طور رسمی ذیل مبحث «آسیب‌های اجتماعی» قرار نگیرند. در نتیجه در گروه مسائل اجتماعی موضوعات صرفاً معطوف به مواردی نیست که به صورت رایج ذیل دسته آسیب اجتماعی تعریف می‌شوند بلکه به طیف گسترده‌تری از مسائل اشاره دارد.



پروژه‌های گروه

اسکان غیررسمی؛
ریشه‌ها
وراهکارها



کار
کودکان
در خیابان



بررسی
روند تاریخی
مسئله اعتیاد





اسکان غیررسمی؛ ریشه‌ها و راهکارها

در این پژوهش تلاش شده تا نخست با استفاده از داده‌های پایگاه اطلاعات رفاه، ستاد بازآفرینی شهری و وزارت بهداشت توصیفی از آمار و وضعیت رفاهی و مسائل ساکنین سکونت‌گاه‌های غیررسمی ارائه شود و در ادامه ضمن مطالعه سیاست‌های مواجهه با اسکان غیررسمی در چهاردهه اخیر در کشور به بررسی ریشه‌های شکل‌گیری حاشیه‌نشینی بپردازد. بررسی‌های این پژوهش تا به اینجا نشان از تمرکز فقر و مسائل اجتماعی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی دارد و در عین حال نشان می‌دهد که در اکثر شهرهای بزرگ تجربه فقر شدید در شهر دیده می‌شود. در نتیجه تجربه نابرابری نیز در این مناطق بالاست. برای توجه به تمرکز فقر نقشه‌های شهرهای نمونه با استفاده از داده‌های پایگاه رفاه و شاخص‌های رفاهی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین برای پیگیری تمرکز جرم و یا جرم‌انگاری نیز از داده‌های انتشار یافته نیروی انتظامی شهرستان‌ها بهره گرفته شده است.

< وضعیت پیشرفت:

۶۵%



• شروع:

شهریورماه ۱۴۰۱

• پایان پیش‌بینی شده:

خردادماه ۱۴۰۲

< جامعه هدف:

◀ افراد ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی

< نهادهای مخاطب:

- ◀ دفتر آسیب اجتماعی معاونت رفاه
- ◀ ستاد بازآفرینی شهری (همکاری مقطعی)
- ◀ سازمان امور اجتماعی کشور (همکاری مقطعی)
- ◀ وزارت بهداشت (همکاری مقطعی)

اقدامات و دستاوردها:

◀ توصیف وضعیت اسکان غیررسمی در سطح کشور از جهت جمعیت، تراکم و مساحت

◀ مقایسه سیر رشد اسکان غیررسمی در کشور و جهان با در نظر گرفتن سایر مؤلفه‌های تبیین‌کننده از جمله نرخ شهرنشینی

◀ ترسیم مشکلاتی که اسکان غیررسمی برای ساکنین و همچنین در سطح شهر پدید می‌آورد

◀ بررسی میزان تراکم فقر در سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور و مقایسه آن با سایر مناطق شهری

◀ بررسی میزان تراکم ثبت جرم در سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور و مقایسه آن با سایر مناطق شهری

◀ بررسی میزان آسیب اجتماعی ثبت شده در سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور و مقایسه آن با سایر مناطق شهری

◀ بررسی قوانین و طرح‌های مربوط به حاشیه‌نشینی و آسیب‌شناسی آنها از طریق مصاحبه با کارشناسان و سیاستگذاران این حوزه در شرکت بازآفرینی شهری ایران و مطالعه گزارش‌های کارشناسی مربوطه

◀ پیگیری و دستیابی به آمارهای مربوط به آسیب‌های اجتماعی در محلات حاشیه‌نشین از طریق نهادهای مختلف ذی‌ربط

◀ ریشه‌یابی شکل‌گیری و رشد و گسترش حاشیه‌نشینی

◀ مطالعه مقالات و کتاب‌های مختلف مرتبط با حاشیه‌نشینی و فقر و رویکردهای فقرزدایی

◀ بررسی رویکرد رسمی‌سازی شغلی به عنوان یکی از راهکارهای رفع مسئله حاشیه‌نشینی

اقدامات و دستاوردهای آتی تا تیر ۱۴۰۴:

◀ انجام مصاحبه با متخصصان و سیاستگذاران حوزه حاشیه‌نشینی در خصوص ریشه‌های شکل‌گیری این مشکل

◀ اثبات مسائلی که موجب شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شده‌اند از طریق بررسی آمارها، گزارش‌های کارشناسی و مصاحبه با نخبگان این حوزه و مطالعه پژوهش‌های صورت‌گرفته

◀ مطالعات تطبیقی درباره چگونگی حل مسئله یا مواجهه با اسکان غیررسمی در سایر کشورهای جهان

◀ ارائه چارچوب راهکارهای مواجهه با مسئله اسکان غیررسمی

◀ امکان افزایش پوشش بیمه‌ای در کشور (در صورت اجرای طرح)

◀ امکان کاهش فقر سالمندان در آینده به دلیل پوشش بیمه بازنشستگی (در صورت اجرای طرح)

◀ شرح:

از ضعف‌های عمده سیاست‌های معطوف به سکونت‌گاه‌های غیررسمی می‌توان به این نکته اشاره کرد که این سیاست‌ها مسئله‌زیست‌غیررسمی (حاشیه‌نشینی) را ذیل ابعاد توسعه شهری تعریف می‌کنند و به وجوه اجتماعی آن توجه کمی دارند. در این پژوهش با بررسی پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان نشان داده می‌شود که دهک‌های درآمدی پایین تمرکز بسیار بیشتری در سکونت‌گاه‌های غیررسمی دارند و در عین حال می‌توان مشاهده کرد که میزان نارضایتی ابراز شده از سوی ساکنین این محلات نیز به نسبت بالاست. همچنین بررسی‌ها حاکی از آن است که هم‌بستگی بیشتری میان ثبت جرایم و سکونت در این مناطق وجود دارد. همین پیوندهاست که اهمیت پرداخت به مسائل اجتماعی را در مناطق حاشیه‌نشین پررنگ می‌کند. به نظر می‌رسد که عمده توجه

سیاست‌گذاری در کشور برای مواجهه با مسأله اسکان غیررسمی از توسعه شهری عبور می‌کند و کمتر به ابعاد اجتماعی ناشی از آن توجه شده است. اگرچه می‌توان ادعا کرد که نزدیک به دو دهه است که شعار توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی وارد عرصه سیاست‌گذاری کشور شده است و ذیل بحث توانمندسازی اقداماتی برای افزایش مشارکت محلی، رشد تعلق محلی و توسعه‌های محله‌محور و اجتماع‌محور صورت گرفته است؛ با این حال نگاهی به آمارهای به‌روز ما نشان از بالا بودن میزان درگیری با مسائل اجتماعی در این مناطق و نابرابری شدید حاکم میان ساکنین این مناطق و مناطق اطراف آن دارد. این در حالی است که در شرایط فعلی اقتصادی کشور پیش‌بینی می‌شود که نرخ اسکان غیررسمی رو به افزایش باشد چرا که از یک سو تورم اجاره‌بها در مراکز استان‌ها و از سوی دیگر پایین آمدن

قدرت خرید مردم بسیاری از ساکنین فعلی مناطق رسمی اما فرودست شهری را روانه سکونتگاه‌های غیررسمی می‌کند و از سوی دیگر مهاجرت‌های داخلی و خارجی نیز هم‌چون گذشته به جمعیت شهرنشین کشور اضافه خواهد کرد که سهمی از مهاجران درگیر اسکان غیررسمی می‌شوند. در ساحت سیاست‌گذاری پس از انقلاب، سکونتگاه‌های غیررسمی شاهد انواع مداخلات بوده‌اند. از برخورد بولدزری گرفته تا ایده‌های نوسازی، بهسازی و در آخر بازآفرینی شهری. مواجهه قهری و بولدزری با اسکان غیررسمی اگرچه مطلوب برخی از نهادها از جمله شهرداری‌هاست و در ظاهر می‌تواند مانع از گسترش ساخت غیرقانونی مسکن در حریم‌های غیرقانونی شود، اما با نادیده گرفتن عوامل اثرگذار در شکل‌گیری این پدیده (از جمله فقر، طرد و مانند آن) عملاً به نقض غرض بدل می‌شود و عمدتاً ساکنین خانه‌های

مخروب سکونتگاه‌های غیررسمی به سکونتگاه‌های غیررسمی دیگر یا به اشکال غیررسمی دیگر از سکونت روی می‌آورند. هم‌چنین در مواردی که با شعار حذف تراکم جرم و آسیب اجتماعی برخورد قهری با برخی محلات و به اصطلاح پاتوق‌ها صورت گرفت نیز شواهد نشان می‌دهد که مسأله حل نشد و تنها به مکان دیگری انتقال یافت.

همین عوامل و انتقادات بود که در سال‌های اخیر ایده بازآفرینی شهری را در نسبت با مناطق شهری به صورت عام و سکونتگاه‌های غیررسمی به طور خاص مطرح کرد. ذیل این ایده محلات دارای هویت، کارکرد و اجتماع‌های محلی هستند و نمی‌توان صرفاً با مداخله کالبدی ادعای بهبود شرایط را داشت. ضمن اینکه افرادی که تحت تأثیر عواملی از جمله فقر، نابرابری و طرد به اسکان غیررسمی روی آورده‌اند و محله‌ای را در کنار یکدیگر برای

خود شکل داده‌اند، در حداقلی‌ترین حالت استفاده از حق به شهر خود قرار دارند. ایده بازآفرینی شهری اگرچه در سطح نظر در کشور مطرح شد اما به نظر می‌رسد چندان نتوانسته است مطرح شود و مورد دفاع قرار بگیرد.

پرسش‌های اصلی‌ای که این پژوهش در حال پیگیری آن است به شرح زیر است:

❖ ارائه گزارش توصیفی از آمار اسکان غیررسمی

❖ بیان وجوه نامطلوب اسکان غیررسمی در وضعیت فعلی کشور (تمرکز بالای فقر درآمدی، تمرکز ثبت جرم یا جرم‌انگاری در محلات و ..)

❖ ریشه‌های بروز مسائل اجتماعی در پیوند با مسأله اسکان غیررسمی

❖ بررسی راهکارهای موجود نسبت به مسأله حاشیه‌نشینی و آسیب‌شناسی

آن‌ها

❖ ارائه راهکار پیشنهادی برای کاهش

یا رفع مسائل اجتماعی مرتبط با اسکان غیررسمی

در این پروژه در قالب بررسی داده‌های پایگاه رفاه ایرانیان، داده‌های ستاد بازآفرینی شهری، بررسی داده‌های اورژانس اجتماعی کشور، مطالعه پژوهش‌های موردی در سکونتگاه‌های غیررسمی کشور و ... تلاش شده تا توصیفی از وضعیت فعلی این سکونتگاه‌ها و مشکلات آن‌ها ارائه شود. هم‌چنین از خلال مصاحبه‌ها با ذی‌نفعانی که در این مسأله فعال هستند سعی شده تا به جزییات مسأله و در عین حال آسیب‌شناسی راهکارهای مطرح فعلی پرداخته شود. تکمیل این اطلاعات با ارتباط‌گیری با سازمان‌هایی از جمله وزارت بهداشت و دفتر رصد سازمان امور اجتماعی در دست انجام است.

کار کودکان در خیابان



این پروژه با محوریت کار کودکان و با تمرکز بر کار کودکان در خیابان تعریف شده است. هدف از این پروژه آن است که وضعیت کودکان کار در خیابان به همراه مسائل و معضلات مورد بررسی قرار گیرد و در ادامه برای رفع آن راهکارهایی پیشنهاد گردد. در نتیجه شناخت مسأله کار کودک در خیابان (آمار اولیه، توزیع جمعیتی، انواع کار کودک در خیابان، نهادهای مداخله‌گر، سیاست‌های اعمال‌شده و ...) نخستین گام این پروژه است و در ادامه با بررسی عواملی که کودکان را به کار خیابانی وامی‌دارد به راهکارهایی که تاکنون وجود داشته پرداخته شده و با آسیب‌شناسی آن‌ها و مطالعه تطبیقی راهکار پیشنهادی برای کشور ارائه می‌شود.

< وضعیت پیشرفت:

۸۰%



● شروع:

تیرماه ۱۴۰۱

● پایان پیش‌بینی شده:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

< جامعه هدف:

- ◀ کودکانی که در حال حاضر در خیابان فعالیت می‌کنند
- ◀ خانواده کودکان کار در خیابان
- ◀ کودکان در معرض ورود به کار خیابانی

< نهادهای مخاطب:

- ◀ دفتر آسیب اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- ◀ دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی (همکاری مقطعی)
- ◀ دفتر رصد آسیب اجتماعی سازمان بهزیستی (همکاری مقطعی)
- ◀ دفتر زنان و خانواده وزارت کشور (همکاری مقطعی)
- ◀ سازمان فنی و حرفه‌ای کشور (همکاری مقطعی)



اقدامات و دستاوردها:

- استخراج آمار کودکان کار با استناد به آمارگیری نیروی کار مرکز آمار، یونیسف، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- استخراج آمار کودکان کار در خیابان با استناد به سازمان بهزیستی و وزارت کشور
- استخراج معضلات و آسیب‌های کار کودک در خیابان
- استخراج سیاست‌های موجود و تاریخچه سیاستی در نسبت با کار کودک در خیابان
- مصاحبه با کودکان کار
- بازدید از مراکز توانمندسازی کودکان کار
- مصاحبه با ذی‌نفعان (سازمان بهزیستی، شهرداری، سمن، سازمان فنی و حرفه‌ای، وزارت کشور، قرارگاه تحول اجتماعی)
- آسیب‌شناسی راهکار توانمندسازی
- بررسی مزیت کار در خیابان به نسبت کار مهارتی

اقدامات و دستاوردهای آتی تا ۱۴۰۲:

- تکمیل ریشه‌یابی
- مطالعه تطبیقی کشورهای موفق
- ارائه راهکار پیشنهادی
- نقد و پیشنهاد برنامه اقدام و عمل پیشنهادی سازمان بهزیستی

شرح:

می‌توان ادعا کرد که توجه به پدیده کودکان کار در کشور قدمتی ۲۰ الی ۳۰ ساله دارد. نهادهای متعددی در طی این دو سه دهه در حوزه کودکان کار در خیابان فعال شده‌اند و اقداماتی را انجام داده‌اند. از جمله این نهادها می‌توان به سازمان بهزیستی، شهرداری‌ها، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت و وزارت کشور اشاره کرد. با این وجود پدیده کار کودک نه از بین رفته است و نه حتی نرخ رو به کاهشی را مشاهده کرده است.

سیاست‌گذاری کشور در دو سطح در نسبت با کودکان کار در خیابان مواجه شده است: حذف ظاهری یا کاهش آسیب. در مورد حذف ظاهری عموماً کار برعهده نیروهای انتظامی نهاده شد تا با جمع‌آوری

کودکان مانع از حضور و یا بروز پدیده شوند. در مورد دوم اما به کمک سمن‌ها و با همراهی برخی از نهادها رویکرد کاهش آسیب پی گرفته شد که ذیل آن کودکان در فرایند شناسایی جذب و حمایت کمتر از کار کودک ضربه می‌خورند و در عوض مشکلاتی از جمله بازماندگی از تحصیل را برای آن‌ها کاهش دادند.

نخستین سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی در این زمینه مربوط به سال ۱۳۸۴ و تحت عنوان آیین‌نامه سامان‌دهی کودکان کار در خیابان است. این آیین‌نامه نزدیک به ۱۵ سال اجرا شد و نقدهای متعددی نسبت به آن وارد شد. در ادامه آیین‌نامه‌ای با هدف حمایت اجتماعی (و نه ساماندهی) تدوین گردید که بر این باور بود که

نقدهای مطرح به آیین‌نامه پیشین را مرتفع سازد.

مروری بر آیین‌نامه اخیر حمایت اجتماعی از کودکان کار، که در قالب آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان آمده است، نشان می‌دهد که روح آیین‌نامه پیشین در حوزه کودکان کار در خیابان («آیین‌نامه سامان‌دهی») همچنان بر این سیاست نیز حاکم است. این درحالی است که آیین‌نامه ساماندهی از ۱۳۸۴ تا اواخر دهه ۹۰ در حال اجرا بوده و شواهد حاکی از آن است که نه تنها در خارج کردن کودک از چرخه کار خیابانی، که در کاهش نرخ ورود کودکان به کار خیابانی نیز موفق عمل نکرده است. آیین‌نامه حمایتی جدید و برنامه اقدام و عمل پیشنهادی آن، در صورت نداشتن بازخورد درستی

از شکست‌های احتمالی پیش‌رو می‌تواند به تکرار طرح سامان‌دهی منتهی شود. در این بین اصلی‌ترین راهکاری که برای خروج کودک از کار ارائه شده آموزش مهارتی و اشتغال‌آفرینی برای خود کودک یا در برخی موارد خانواده‌هایشان بوده است. اما بررسی دقیق‌تر طرح‌هایی که تاکنون در این زمینه اجرا شده نشان می‌دهد که با اقبال چندانی روبه‌رو نشده‌اند. در همین راستا، پژوهش پیش‌رو با چند پرسش اصلی و با هدف ارائه راهکار عملیاتی برای حذف کار کودک مطرح شده است:

❖ ریشه‌های کار کودک و تداوم آن در کشور چیست؟

❖ طرح‌های مهارت‌آموزی و اشتغال‌آفرینی برای کودکان کار یا خانواده‌هایشان، با تأکید بر

توفیق و شکست آن در بازه‌های بلندمدت‌تر، چگونه عمل کرده‌اند؟

❖ نقاط شکست آیین‌نامه ساماندهی چه بوده و آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ چگونه می‌تواند در عمل از تکرار شکست‌های پیشین عبور کند؟

❖ مسئله کار کودک در خیابان و سایر انواع کار کودک از حیث ریشه و پیامدها چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند؟

برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها تلاش شده تا هم در سطح اسناد و هم در سطح اجرا به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها پرداخته شود. مصاحبه‌هایی با کودکان کار مشمول در طرح‌های مهارت‌آموزی و همچنین مدیران سمن‌ها و نهادهای درگیر در طرح‌های مهارت‌آموزی صورت گرفته است

که تجربیات آن‌ها از اجرای این طرح‌ها بیان شده است. از چند کودک کار که مشمول این طرح‌ها نشده‌اند نیز مصاحبه به عمل آمده تا اختلاف ورود یا عدم ورود به این طرح‌ها مورد بررسی قرار گیرد. در عین حال تلاش شده است تا در سطح سیاستی نیز با افرادی که در سال‌های اخیر درگیر سیاست‌گذاری حوزه کودکان کار بوده‌اند مصاحبه‌هایی صورت گیرد تا رویکرد افراد استخراج و مسیر تغییر ترسیم شود.



این پروژه تلاش دارد تا با بررسی مسأله اعتیاد در زمان پهلوی اول و پهلوی دوم به مواجهات نهادی و اجتماعی با مسأله اعتیاد بپردازد. این پروژه بر این مدعاست که می‌توان مسائل اجتماعی در کشور را با بررسی سوابق تاریخی چه در سطح جامعه و چه در سطح نهادی و قانون‌گذاری بهتر و عمیق‌تر درک کرد و پیوندش را با رخدادها و مسائل کنونی کشور بیشتر یافت. این پروژه بر آن است تا با بررسی تاریخی روندی که مسأله اعتیاد در کشور طی کرده است به درک بهتری از مسأله اعتیاد در حال حاضر کمک کند.

وضعیت پیشرفت:

۸۰%



• شروع:

شهریورماه ۱۴۰۱

• پایان پیش‌بینی شده:

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

جامعه هدف:

سیاست‌گذاران حوزه اعتیاد و پژوهش‌گرانی که در ادامه بر مسأله اعتیاد در وضعیت کنونی کشور متمرکز خواهند شد.

نهادهای مخاطب:

دفتر آسیب اجتماعی وزارت کار

◀ اقدامات و دستاوردها:

- ◀ استخراج پژوهش‌های منابع موجود در زمینه بررسی تاریخی اعتیاد در کشور
- ◀ استخراج منابع خارجی در زمینه بررسی تاریخی مسأله اعتیاد
- ◀ گردآوری قانون‌گذاری در زمینه اعتیاد
- ◀ گردآوری مشروح مذاکرات مجلس در زمینه اعتیاد
- ◀ گردآوری گزارش‌های اعتیاد و قاچاق در کشور
- ◀ تحلیل روند قانون‌گذاری در زمینه قاچاق و اعتیاد در هم‌خوانی میزان کشت تریاک و قاچاق و استعمال دخانیات
- ◀ تحلیل تاریخی مواجهات متکثر با مسأله اعتیاد و وابستگی آن‌ها به نهادها

◀ شرح:

نگاه تاریخی به مسائل اجتماعی در کشور از جمله رویکردهای مغفول در حوزه مطالعات و همچنین سیاست‌گذاری کشور است. این در حالی است که پدیده‌های اجتماعی رخ داده‌های موقت و صرفاً مقطعی نیستند. در بسیاری از موارد ریشه در حافظه‌های تاریخی، تجربیات و برساخت‌های تاریخی دارند که اگرچه غیرملموس هستند اما در اذهان عموم جامعه نقش بسته‌اند. بخشی از این وجوه غیرملموس به‌عنوان فرهنگ یک جامعه در نظر گرفته می‌شود و می‌توان ادعا کرد که در بزنگاه‌ها این پشتوانه‌های فرهنگی است که مواجهه یک جامعه را با جامعه‌ای دیگر متفاوت می‌کند. مطالعه سیر تاریخی مسائل اجتماعی و قانون‌گذاری آن‌ها نیز با چنین رویکردی صورت می‌گیرد. این

مطالعه در تلاش است که برای بررسی یک پدیده به گذشته برگردد و پیشینه مواجهه با آن و پیشینه برساخت مفهومی که امروز با عنوان مسأله اجتماعی شناخته می‌شود بیان شود. تشخیص این برساخت مفهومی از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد امروز جامعه و همچنین سیاست‌گذاران چه فهمی از مسأله دارند و چگونه این فهم از مسأله به‌صورت تاریخی شکل گرفته است و پشتوانه تاریخی آن چیست. مسأله اعتیاد سال‌هاست که در کشور مطرح است و سال‌هاست که به نحوی افراد را از طبقات اقتصادی و اجتماعی مختلف درگیر می‌کند. چرخه خانمان‌سوز اعتیاد سال‌هاست که در روندی تکراری قربانی می‌گیرد و در این پروژه تلاش شده به مسأله اعتیاد نگاهی تاریخی انداخته شود و

ریشه‌های شکل‌گیری مسأله اعتیاد و به‌تبع آن گرایش به آن از منظر تاریخی ردیابی شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مصرف مواد اعتیادآور و همچنین دخانیات قدمتی طولانی دارد و می‌توان شواهدی یافت که اگرچه کشت تریاک و مصرف آن غیرقانونی نبوده است اما عمدتاً نیز به سوءمصرف منتهی نمی‌شده است. ورود دولت به مسأله قاچاق نه از جهت مبارزه با یک آسیب اجتماعی که از جهت سودآوری بیشتر از کشت محصول تریاک و جایگزینی آن با ابریشم بود که رفته رفته به‌دلیل تغییرات کشاورزی سودآوری نداشت. کشت تریاک و برداشت آن تحت نظارت دولت صورت می‌گرفت اما در ادامه و تا دهه ۲۰ چنین به نظر می‌رسد که رفته رفته مسأله سوءمصرف مواد مخدر به یک معضل اجتماعی تبدیل

می‌شود و در ادامه به فقر نیز گره می‌خورد.

در کنار این موارد، توجه به سیر ورود قانون‌گذار به پدیده اعتیاد نیز قابل توجه است و تجربیاتی که به لحاظ قانون‌گذاری کشور طی کرده است. یکی از شاخص‌ترین این موارد را شاید بتوان تأسیس شیره‌کش‌خانه‌ها دانست که به منظور کنترل مصرف توسط دولت دایر گشت. این پدیده با همراه کردن انگ اجتماعی برای افراد درگیر اعتیاد همراه بود چنانچه تا به امروز نیز می‌توان رگه‌های این انگ اجتماعی را مشاهده کرد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که در مقابل رویکرد جرم‌انگارانه دولت رویکرد بیمارانگاران نیز در دهه ۲۰ شمسی و توسط نهادهای خیریه که عمدتاً متولیان‌شان پزشکان بودند نزع گرفت و حامیان و مدافعان خاص

خود را داشت. این دو رویکرد تا به امروز نیز همچنان در مقابل هم و البته گاه با تغییر آرایش افراد حامی و مخالف در ساحت سیاست‌گذاری کشور مطرح است.

در نتیجه در کنار بررسی ریشه‌ها، بررسی این نکته حائز اهمیت است که اعتیاد چگونه در اذهان عموم تبدیل به یک پدیده ناهنجار گشته و برای مقابله با این ناهنجاری، تشکله‌ها و عموم مردم چه اقداماتی انجام داده‌اند. همچنین بررسی سیاست‌ها و مشاهده اثر بخشی آن‌ها در این پدیده می‌تواند حایز اهمیت باشد.

در ادامه یافته‌های نخست این پژوهش، پرسش‌های ثانویه این پژوهش به این صورت است:

❖ سیر تبدیل استعمال مواد مخدر از یک تفریح اشرافی به آسیبی در پیوند با فقر چگونه بوده است؟

❖ گذار از جرم‌انگاری اعتیاد به بیماری‌انگاری اعتیاد چگونه رخ داد؟
❖ تفاوت جرم‌انگاری قاچاق و کشت و

سیر آن چگونه بوده است؟

❖ کارکردها و کنکارکردهای قانون‌گذاری در حوزه اعتیاد و دخانیات چه بوده است؟

❖ علمای دینی، نهادهای مذهبی و تشکلهای مدنی در نسبت با اعتیاد و مصرف دخانیات چه مواجهه‌ای داشتند؟

گام دوم پروژه به بررسی مسأله اعتیاد در حال حاضر می‌پردازد و ضمن ارائه گزارشی از پدیده و بررسی وجوه حال حاضر اعتیاد و گرایش به آن، به وجوه افتراق این پدیده با نسخه‌های پیشین آن می‌پردازد و مداخلات مردمی و سیاستی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این بخش از پژوهش در مراحل ابتدایی است و به مرحله یافته و راهکار نرسیده است.

اقدامات

ترویجی

مرکز

گروه رسانه مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه از ابتدای مهر ۱۴۰۱ تشکیل شد. هدف اصلی این گروه، شناخته‌شدن مرکز در فضای قانون‌گذاری، اجرایی و اندیشه‌ورزی کشور است. وظیفه این گروه فرصت‌سازی برای ترویج و اجرای ادبیات علمی و بسته‌های پیشنهادی تولیدشده در مرکز است. اهم فعالیت‌های گروه در راستای این وظیفه عبارت است از:

- ◀ تغذیه خبرگزاری‌های مکتوب و مجازی؛
- ◀ ساخت برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی؛
- ◀ گسترش حضور مرکز در فضای مجازی با ابزارهایی مانند سایت و شبکه‌های اجتماعی؛
- ◀ ساخت پادکست؛
- ◀ توسعه خبرنامه مجازی و مکتوب؛
- ◀ برگزاری دوره‌های آموزشی؛
- ◀ برگزاری همایش.

توانمندسازی حاکمیت و جامعه مرکز

معرفی پروژه‌ها

« همکاری رسانه‌ای با خبرگزاری‌ها
مرکز توانمندسازی حاکمیت
و جامعه اکنون شبکه‌ای از
خبرگزاری‌های مکتوب و آنلاین
مانند ایسنا، اقتصاد آنلاین،
اقتصاد نیوز، فرهیختگان، تسنیم
و فارس را در سرویس‌های
اجتماعی و اقتصادی تغذیه
می‌کند. بدین وسیله می‌توان
ادبیات علمی تولیدشده در مرکز
را در دید تأثیرگذاران جامعه قرار
داد.



برگزاری نشست‌های مختلف

طراحی ساختار کلان دولت



معارفه احمدی روشن



◀ ارائه کتاب مبارزه با نابرابری



لوگو صفحه اصلی حوزه ها دوره ها همایش ها گزارش ها پایگاه دانش همکاری با ما درباره ما وبلاگ ثبت نام / ورود



کرونا نیروی کار و حمایت اجتماعی

لورم ایپسوم متن ساختگی با تولید سادگی نامفهوم از صنعت چاپ، و با استفاده از طراحان گرافیک است، چاپگرها و متون بلکه روزنامه و مجله در ستون و سطرآنچنان که لازم است، و برای شرایط فعلی تکنولوژی مورد نیاز، و کاربردهای متنوع با هدف بهبود ابزارهای کاربردی می باشد، کتابهای زیادی در شصت و سه درصد گذشته حال و آینده، شناخت فراوان جامعه و متخصصان را می طلبد، تا با نرم افزارها شناخت بیشتری را برای طراحان رایانه ای علی الخصوص طراحان خلاقی، و فرهنگ پیشرو در زبان فارسی ایجاد کرد، در این صورت می توان امید داشت که تمام و دشواری موجود در ارائه راهکارها، و شرایط سخت تایپ به پایان رسد و زمان مورد نیاز شامل حروفچینی دستاوردهای اصلی، و جوابگویی سوالات پیوسته اهل دنیای موجود طراحی اساسا مورد استفاده قرار گیرد، لورم ایپسوم متن ساختگی با تولید سادگی نامفهوم از صنعت چاپ، و با استفاده از طراحان گرافیک است، چاپگرها و متون بلکه روزنامه و مجله در ستون و سطرآنچنان که لازم است، و برای شرایط فعلی تکنولوژی مورد نیاز، و کاربردهای متنوع با هدف بهبود ابزارهای کاربردی می باشد، کتابهای زیادی در شصت و سه درصد گذشته حال و آینده، شناخت فراوان جامعه و متخصصان را می طلبد، تا با نرم افزارها شناخت بیشتری را برای طراحان رایانه ای علی الخصوص طراحان خلاقی، و فرهنگ پیشرو در زبان فارسی ایجاد کرد، در این صورت می توان امید داشت که تمام و دشواری موجود در ارائه راهکارها، و شرایط سخت تایپ به پایان رسد و زمان مورد نیاز شامل حروفچینی دستاوردهای اصلی، و جوابگویی سوالات پیوسته اهل دنیای موجود طراحی اساسا مورد استفاده قرار گیرد....

مشاهده بیشتر

موضوعات کاری



حمایت‌طلبی (Advocacy)



توانمندسازی نهادهای
حرفه‌ای و مدنی



رفاه و سیاست اجتماعی



تعارض منافع



کارآمدسازی نظام حکمرانی



بنیان‌های نظری - تاریخی

جدیدترین یادداشت‌ها

سایر حوزه‌های پژوهشی

همایش‌ها و نشست‌های تخصصی

مدیریت تعارض منافع

رفاه و سیاست اجتماعی

همه



۱۴۰۱/۰۸/۲۴
علیرضا احمدی

معرفی کتاب نابرابری

تردیدی نیست که توزیع درآمد از دیرباز جزء مهم‌ترین بحث‌های اقتصاددانان جهان بوده است. اینکه چگونه با کمترین نهاده، محصول مورد نیاز، با کیفیت مناسب و مطلوب مصرف‌کننده تولید شود، بخشی از علم اقتصاد است و بخش دیگر آن اینکه درآمد حاصل از آن چگونه توزیع و مصرف می‌شود. بنابراین علاوه بر اینکه نسبت به انحصار و تأثیر منفی آن بر تخصیص منابع و اقتصاد آگاهی دارید لازم است نسبت به اثرات متفاوت توزیعی چنین...

[مشاهده بیشتر ←](#)



برگزاری دوره مدیریت تعارض برای کارکنان دولت

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه دوره «مدیریت تعارض منافع برای کارکنان دولت» را با همکاری سازمان اداری استخدامی و مرکز آموزش مدیران دولتی در تلاش است برگزار کند. پس از تصمیم سازمان اداری استخدامی برای برگزاری این دوره، مرکز مأمور تنظیم محتوای آموزش دوره شد. هم‌اکنون محتوای دوره به‌تمامی آماده است و در ابتدای سال آینده در مرکز آموزش مدیران دولتی، دوره ضبط خواهد شد.

وضعیت پیشرفت:

۷۵%



شروع:

بهمن‌ماه ۱۴۰۱

جامعه هدف:

کارکنان دولت

نهادهای مخاطب:

- سازمان اداری استخدامی
- مرکز آموزش مدیران دولتی

◀ شرح:

در ابتدای دهه ۸۰ شمسی موضوع تعارض منافع در کشور در حوزه پزشکی مطرح شد و این نقطه شروع مطالعه تعارض منافع در کشور است. در همان سال ۱۳۸۰ نیز رهبر انقلاب فرمان هشت ماده‌ای مبارزه با فساد را صادر کردند. اواخر این دهه از موضوع شفافیت به‌عنوان کلید حل فساد نام برده شد و سپس مدیریت تعارض منافع نیز به‌عنوان زیربنای ریشه‌کن کردن فساد در کشور هویت پیدا کرد.

در سال ۱۳۹۶، لایحه نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی به مجلس ارسال شد. از آن زمان مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه شروع به توسعه ادبیات علمی مرتبط با تعارض منافع

کرد. نتیجه این کار در ۶ جلد کتاب، ۱۶ پروژه بررسی تخصصی تعارض منافع در دستگاه‌های کشور، ترویج رسانه‌ای گسترده و... مشهود است. امسال مرکز توانمندسازی در راستای عملیاتی‌کردن مدیریت تعارض منافع در کشور کوشید مدیران دستگاه‌های دولتی را آموزش دهد. هدف از این کار، تبدیل علم به عمل و زمینه‌سازی برای ریشه‌کن کردن فسادهای ناشی از تعارض منافع در کشور است. سازمان اداری استخدامی، بنا دارد آموزش مدیریت تعارض منافع را از ۱۴۰۲ برای همه مدیران دولتی اجباری کند. طی مذاکرات دو طرف بنا شد مرکز مسئولیت تهیه محتوای دوره را عهده‌دار شود. بناست در ابتدای سال ۱۴۰۲، این محتوا در مرکز آموزش مدیران دولتی ضبط و به کارکنان دولت ابلاغ شود.

تمرین

پنجمتی از اقدامات ممنوع مرتبط با تعارض منافع در سازمان خود را تهیه کنید. هر یک از اقدامات فوق را بررسی کرده و استدلال کنید که آیا ممنوعیت کامل بهترین راهکار برای مدیریت تعارض منافع در این اقدامات است؟

تعارض منافع



تعارض منافع در سازمان‌ها

تعارض منافع در ایران

مثال تخت‌های بیمارستانی

بهبود بیمارستان‌ها بر اساس ضریب اشغال تخت پرداخت می‌شود، هرچه تخت‌های بیمارستان پرتر باشد، بودجه بیمارستان بیشتر خواهد شد.



تعارض منافع

◀ دوره تعارض منافع



افشای موقعیت تعارض منافع

افرادی که درگیر موقعیت تعارض منافع شده‌اند باید این موقعیت را برای مقام (های) مسئول افشا کنند. **موقعیت تعارض منافع باید صورت جلسه شده و در سوابق حفظ شود.**



تعارض منافع

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تعارض منافع در سازمان‌ها

تغییر شاخص‌های عملیاتی و عملکردی

پرونده کمتر، دادگاه کمتر

هرچه تعداد پرونده‌های یک مجتمع قضایی نشان‌دهنده عملکرد مثبت آن است



قرارداد پژوهشی
دانشگاه علامه طباطبائی

شناسایی خانوار هدف



انجمن حمایت از کودکان

ارائه مشاوره در حوزه تحلیل و
ارزیابی برنامه‌های حمایتی
از کودکان



تفاهم نامه همکاری،
پژوهشکده مطالعات توسعه
جهاد دانشگاهی و پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات
اجتماعی جهاد دانشگاهی

سنجش و تحلیل فضای
سرمایه‌گذاری اقتصاد ایران



قرارداد پژوهشی
شرکت پردازش موازی آبان

تحلیل سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی
بر ارائه خدمات مطالعاتی



قرارداد پژوهشی
دانشگاه شهید بهشتی

نظرسنجی در خصوص حذف یارانه
دهک‌های بالا درآمدی



قرارداد پژوهشی شرکت
بین‌المللی پردازش اطلاعات
نقش کلیک

تعیین فرآیندها و ساختارهای
حاکم در اجرای پنجره واحد محلات
هدف توسعه اجتماعی کشور

نخستین کنفرانس

ایسنا

انجام پژوهش‌های
رسانه‌ای - میدانی



قرارداد پژوهشی
مرکز افکار سنجی
دانشجویان ایران (ایسپا)

بررسی دیدگاه شهروندان پیرامون
حذف یارانه سه دهک پردرآمد



قرارداد پژوهشی
دانشگاه صنعتی شریف

برگزاری مجموعه نشست‌های
فقر پژوهی در سومین کنفرانس
حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی



معاونت پژوهشی
دانشگاه شریف

راهبری ایجاد پنجره واحد خدمات
رفاه و تامین اجتماعی



پژوهشگاه
علوم انسانی

بازآفرینی نقش دانشجویان

سان

قرارداد پژوهشی شرکت
ساختارهای نوین گستر (سان)

طراحی و پیاده‌سازی
شاخص‌های هوش تجاری مبتنی
بر نقشه



ایسپا

سنجش دیدگاه شهروندان
کارمندان دولت و بازنشستگان
درمورد طرح حقوق برابری



آزمایشگاه داده حکمرانی

ارزیابی و پایش نظام جامع رفاه و
تامین اجتماعی



دانشکده مدیریت
دانشگاه تهران

ارزیابی و پایش نظام جامع رفاه
و تامین اجتماعی



تفاهم نامه انتشار کتاب

تشریک مساعی و همکاری
در جذب یا سفارش اثر



تفاهم نامه دبیر خانه
هیئت امنای
تامین اجتماعی

انجام اقدامات و فعالیت‌های
مطالعاتی و حمایت‌طلبی اجتماعی



موسسه دیده بان
شفافیت و عدالت

ارزیابی و پایش نظام جامع رفاه و
تامین اجتماعی



موسسه کاروتامین

تسهیلات



وزارت امور اقتصادی و دارایی

وزارت اقتصاد و دارایی

مقابله با فساد و تعارض منافع



معاونت پژوهشی دانشگاه تهران

ارزیابی و پایش نظام جامع رفاه
و تامین اجتماعی

گروه مدیریت تعارض منافع

- فاطمه نصیری
- ابوالفضل بروکی
- حسین قربانی

گروه مقابله با فقر و حمایت‌های اجتماعی

- سعید هراسانی
- علیرضا متقی
- مریم رحیمی
- زهرا سروش‌فر

گروه مسائل اجتماعی

- ریحانه صارمی
- شهین رعنائی
- میثم امانی

گروه بازار کار و اشتغال‌زایی

- امیر مهدی زاده
- افسانه شرکت
- حسین خداپرست
- مطهره سنبله‌کار
- محمد عادل
- سید سجاد فیض آبادی

گروه بودجه و داشبوردهای رفاهی

- آتوسا تقوی
- پرهام حیدری
- سمانه ذاکری

ستاد

- نیما عرب حسینی
- زینب مرتضوی فر
- سید میثم رفیعی
- مینا صادق زاده





مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

بهار ۱۴۰۲